



# Bodleian Libraries

UNIVERSITY OF OXFORD

This book is part of the collection held by the Bodleian Libraries  
and scanned by Google, Inc. for the Google Books Library Project.

For more information see:

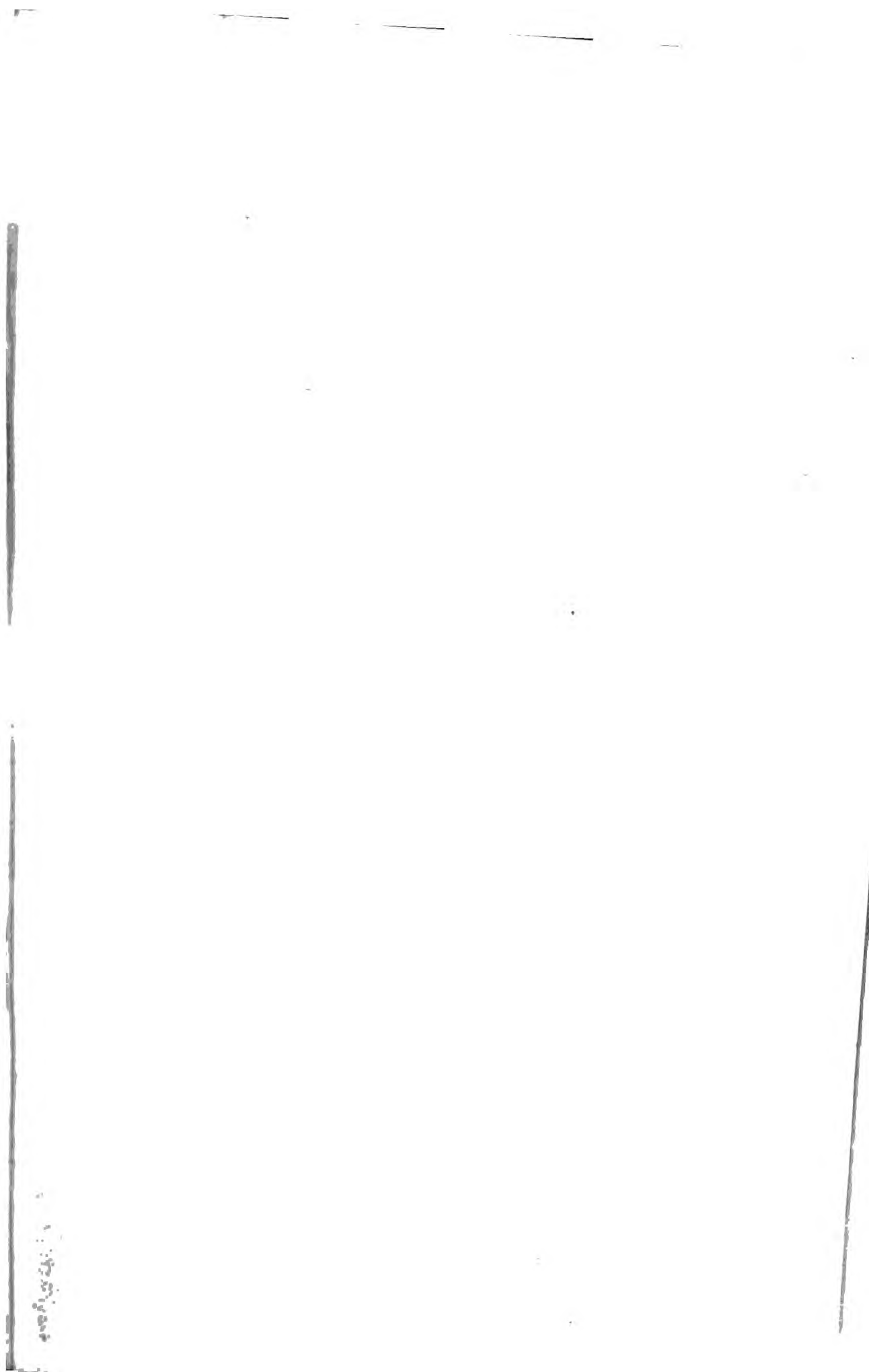
<http://www.bodleian.ox.ac.uk/dbooks>



This work is licensed under a Creative Commons Attribution-NonCommercial-ShareAlike 2.0 UK: England & Wales (CC BY-NC-SA 2.0) licence.











**فصل** بقدر از جن و انس در دوزخ باشند به اتفاق و در مومنان از جن و انصار اختلاف است و همچنین ایشان را در خوار بهشت نیست معدوم شوند چنانچه ابو الشیخ از انس بن سلیم آورده گفته است که ما جن را داخل بهشت شوند و داخل دوزخ و همچنین از ابی حنیفه نقل میکنند لیکن حق است که مومنان را ثواب و کافران را عذاب خواهد شد قال الله تعالی اخطا بالشکیر لمن خاف مقام ربه خشتان ط قبله الابرار یکنان بان و قال الم طیش من انس قبله و لا جان و قال الله تعالی حکایه عن کلام البحر من اسلام فاولئک محرور شداد و اما القاسطون کما انوا لجنه خطیاط و بهی قلی اناس از آن و صلی الله علیه و آله و سلم روایت کرده که مومنان جن را ثواب باشد و بر آنها عذاب باشد پس سؤالی کردیم از ثواب آنها فرمود بر اعراف باشند و بهشت با است محمد صلی الله علیه و آله و سلم نباشند پس رسیدیم که اگر جن چیست فرمود جایست بیرون بهشت در آن نهر جاری اند و درختها و ثمرها و از این و سبب است که پرسیده شد که جن را ثواب باشد گفت آری حق تعالی سیفر مایه اولئک الذین حق علیهم القول فی القدر خلعت من قبلهم من البحر و الانس انهم کانوا خاسرین و لکل درجات مما عملوا و بهی قلی از این عباد روایت کرده که خلق چهار قسم اند یک خلق تمام در بهشت باشند و آن ملائکه و یکی تمام در دوزخ و آن شیاطین و در خلق بعضی در بهشت و بعضی در دوزخ و آن جن و انس و حمزه بن حلیب گفته جن را داخل بهشت شوند برای جن جنایات باشند و برای انس انبیات الحمد بقدر رب العالمین خالق البجه و النار و الصلوة و السلام علی محمد النبی و آله و انما یقسم الجنه و النار و علی الله و اصحاب الابرار الاخیاره

**خاتمه الطبع**

پس انستایش آفریننده بیدار و معاد و بهشت و دوزخ جزا و عباد و دنیایش سید رسل شافع کل حسب مقام محمود بر آنده عاصیان از میان آتش و دوزخ و نقیبت المهدیت اصحاب صاحبان میران گران از آلاهی بل چون برق گذران نموده می آید که کتاب هدایت نصاب بشیر و نذیر عباد مذکره المعاد و از افادات و افاضات جناب غفران مآب علم الهدی علامه الورعی مولانا قاضی محمد شهاب الدین طاب الله ذله و جمیل نوشته شود و مطبع فیض منبع الواعزم جهان فیاض زمان جناب نامی همون منشی توکل کشو صاحب معاد با اعلی اللاتب بحسن اتهام منعم بکمال منشی و شیخ و مال صاحب بمساهه شهاب الدین ابهری مطاب بق ماه جون ۱۳۱۱ ع یرایه طبع و بر کشیده فائده رسان الی الملک وید

لا گفت خداوند  
خطاب کرده که  
انس برای کسی  
رسیده عبادت  
بخصوص در دوزخ  
نیش و دوزخ  
باشند پس سؤالی  
در بهشتی و دوزخی  
نوش و دوزخ  
و گفت خدا تعالی  
و گفت با تاج  
که است از ایشان  
آفریننده  
و بهی قلی  
خدا تعالی در دوزخ  
حکایت کل جن  
سبب که سلمان  
نوش و دوزخ  
قصه که در آن  
را و آنگاه که  
پس از آنکه  
دوزخ از آن  
عنه این جامع  
که نبوت شد  
و عذاب از حلیه  
گر گذشت از پیش  
ایشان و عبادان













فرمود که در بهشت درختی باشد که از بالای آن حلما و از زیر آن سپان ابلق از زر که زمینهای شان  
و باگهای شان از مروارید و یاقوت باشد و آنها را پر شد و آنها قدم نمهند جائیکه بصر رسد  
اولیا را اند بر آن سوار شوند و بگذرند و دیگر مردم که در مرتبه پست باشند بگویند یا الهی اینها کیستند  
که نور شان نورانی ما را فرو نشاند و فرماید که اینها در راه خدا اتفاق می کردند و شما بخل میکردید  
و اینها جهاد میکردند شما می نشستید بیعتی از مجاهد و ابی سلیمان در تفسیر قوله تعالی و اذا رایتم  
رایت فیما و ملکاً کبیراً گفته که مراد از ملک کبیر آنست که فرستاده رب العزت تحفها و لطفها  
بر وی آرد و بوی نرسد تا که اذن دخول طلب کند از حاجب و آن حاجب از حاجب دیگر  
و همچنین پس اذن دهد ولی الله بدخول و هرگاه آن ولی نخواهد پس اذن پروردگار خود و شرف خود  
تقریر گوید این از انجاست که حق تعالی است از جبل الوری و حجب غفلت در میان نیست که خصوصاً  
دار و فصل ترمذی و عالم از بریده روایت کرده که آن حضرت فرمود صلی الله علیه و آله و سلم که اهل بهشت  
کیستند نصف باشند از انجمله شتا و نصف از است من و چهل از دیگر ام و یکمی و ابن عساکر از جابر  
روایت کرده که مومنان هر چه زیارت حق تعالی کنند حق تعالی بفرماید که بخوانند از من هر چه خوانند مردم بعد از  
رجوع کنند که چه چیز درخواست کنیم علما و جوه سوال آموزند پس مردم بعد از بهشت هم محتاج باشند  
و طبرانی و بیهقی و ترمذی از آنحضرت صلی الله علیه و آله و سلم روایت کرده که اهل بهشت بر هیچ چیز  
نمکنند مگر بر ساعی که در دنیا در آن ذکر خدا کرده باشند این عساکر از امیر المومنین علی رضی الله عنه  
از آنحضرت صلی الله علیه و آله و سلم روایت کرده که بوی بهشت بر هزار ساله راه میرسد و بوی  
بهشت عقوق کند و لکین را و قاطع رحم را و پیر زنی را و کسیکه از تکبر دامن دراز کند نرسد  
فصل اهل بهشت در بهشت با برادران و یاران و دوستان ملاقات میکنند و ماجراهای  
دنیا یاد کنند بزار و میهن و غیره از انس روایت کرده که آنحضرت فرمود صلی الله علیه و آله و سلم  
که چون بهشتیان داخل بهشت شوند اشتیاق برادران کنند پس تخت یکی مقابل  
تخت دیگری آید و با هم سخن گویند آنچه در دنیا گذشته بود و اهل بهشت و خیال را بهم بینند  
و هرگاه بهشتیان خواهند یا نبینان و صحاب و رجالات عالی ملاقات نمایند طبرانی و ابوسعید  
و غیره از عاصمه روایت کرده که مردی نزد پیغمبر صلی الله علیه و آله و سلم آمد و گفت یا رسول الله



از آن حضرت صلی الله علیه و آله وسلم آورده که فرموده که هر که در دنیا سر و بشتن و اذان نشود  
 که آواز روحانیان قرائی اهل بهشت باشند **فصل** در بهشت از زوایا و لقا باشد  
 شفاف مثل شیشه قوله تعالی کانت قواریا قواریا من فضة همین معنی دارد و ظرف و لقا و دنیا  
 هر چند باریک باشد شفاف نباشد هر کس از اهل بهشت بفتاد ظرف از زوایا و لقا پیش آورده  
 شود در هر یک رنگی از طعام باشد که در دیگر نباشد **فصل** مردم که داخل بهشت شوند  
 عداوت های شان که در میان باشد و در شود و با هم دوست و محب شوند اذنی اهل بهشت  
 را هزار خادم باشد و در حدیثی پنج هزار آمده و در حدیثی ده هزار خادم از ولدان مخلص یعنی مردان  
 که همیشه امد باشند و قرآن است که ملائکه در بهشت داخل شوند و بر مومنان سلام بگویند  
 در بهشت کذب و لغو و بزل و شتم و مانند آن نباشد مردی پرسید یا رسول الله در  
 بهشت اسپ باشند فرمود اگر داخل بهشت شوی هر گاه سوار می اسپ خواهی ای از این  
 سرج سوار شوی او را بر باشند پیر و با تو و هر جا که خواهی رسانند دیگری گفت یا رسول الله  
 شتر باشد فرمود اگر داخل بهشت شوی هر چیز را که دل تو خواهد و چشم ترا لذت دهد مهیا باشد  
**فصل** در بهشت بازار باشد که در آن بیع و شرا نیست مگر صورتهای مردان و زنان در آن  
 باشند به صورت که کسی را خوش کند بحدان صورت گردد و بطرانی از ابی الدرداء از آن حضرت صلی  
 علیه و آله وسلم روایت کرده در جنت عدن سوای انبیاء و شهداء و صدیقان کسی نباشد و باشد  
 در آن آنچه در خطه کسی هم نگذشته باشد فقیر گوید که شاید مراد از این حدیث آن باشد که در آن  
 رویت حق تعالی و انبیاء باشد مسلم از انس از آن حضرت صلی الله علیه و آله وسلم روایت  
 کرده که در بهشت بازار باشد در آن توده های مشک باشند روز جمعه مردم در آنجا گردند باد  
 شمال بر آنها وزد مشک بر روی های و پارچه های شان افشانند حسن و جمال زیاده شود چون نزد  
 اهل خود روند آنها گویند و الله شما حسن و جمال زیاده کردید و در احادیث آمده که طیور و بهشت  
 مثل شتر بخمتی باشند چون شخصی قصد خوردن آن کند بر خوان او پیش آید و اذان هر لذت خورد  
 با آن طائر بیرون رود و در بهشت با هم ملاقاتها کنند شتر سوار شده و بر سپاهان که نه بول کنند  
 و نه سگین و این ابی الدنیا از علی رضی الله عنه روایت کرده که رسول صلی الله علیه و آله وسلم

له باشند و اندک بکنند با بیعی بکنند از لقا



می گوید که ای ولی خدا آیام را با تو نصیبی نیست چندی با وی صحبت دارد با جمعی دیگر می ظاهر شود  
 بهتر از ثانیه و همچنین و همچنین رسول فرمود صلی الله علیه و آله وسلم هر که غصه فرو برد با وجود قدرت  
 حق تعالی او را بر سر خلاق طلب کند و مختار سازد در حوران هر که خواهد بگیرد و فرموده که سه چیز اند  
 هر کسی را یکی از آن باشد او را حور عین داده شود کسی که امانت مخفی بخوف خدا داد کند و حیث  
 نکند و کسی که قاتل خود را نبخشد و کسی که بعد هر نماز سوره اخلاص خواند و فرموده مهر حوران  
 قبضه های خرم و پاریچه های نان ست یعنی آنچه بدر و ایشان بدید و فرموده جارب کشتی حساب  
 مهر حوران است و فرموده که بهشت زینت می گیرد از سالی تا سالی برای ماه رمضان حوران  
 زینت می گیرند از سالی تا سالی دیگر برای ماه رمضان چون رمضان داخل شود بهشت گوید  
 آئی بگردان درین ماه از بندگان خود ساکنان درین و حوران گویند آئی بگردان از بندگان خود  
 برای ما شوهران که سر شود چشم ما از آنها چشم آنها از ما و فرمود در بهشت حوران باشد عینا  
 بقصد تهرار غلام بردست راست و همچنین بردست چپ او راه روند و بگویند کجا باشند امکنندگان  
 معروف و نهی کنندگان از سرکرد و فرمود که اگر زنی مردی را در دنیا ایذا کند زن آواز حوران گوید  
 ای زاده این را که همان است نزد تو قریبت که از تو جدا شود بسوی ما آید حوران بهشتی را گفته شود  
 که اینجا مید که شوهر خود را ببیند گویند آری انگاه پرد ما از میان برداشته شود او را ببیند و شنید  
 ملاقات نمایند **فصل** از آبی هریره و ابن عمر و غیره مرویست که حوران به آواز خوش سرو کنند  
 کسی نشیننده باشد مثل آن به تسبیح و تقدیس و حمد و ثنای پروردگار و شکر او تعالی باین الفاظ  
 سخن خوش حسنه + ابد نیالاز و لاج کرام + و سخن الخالدات فلا تموتن + و سخن الراضیات فلا یخطرن  
 و سخن الامانات فلا تخافن + و سخن المقیمات فلا یظعنن + و در حدیث است که اگر اهل بهشت رغبت  
 سرو کنند با دمارا حکم شود که در شاخهای سبز و زیتان که از مر و اریست در آیند و حرکت دهند  
 بقسمیکه آواز ناخوش سریند و در زیتان را حکم شود که نندگان من خود را در دنیا از معارف و مزایم  
 باز داشته بودند آنها را بشنوند پس آواز های خوش از در زیتان به تسبیح و تقدیس بر آید و نیز  
 ملائکه آواز های خوش به تسبیح و تقدیس گویند و گویند لا خوف علیکم و لا هم یحزنون و نیز در حدیث  
 آمده که داود علیه السلام را حکم شود آن حضرت با آواز خوش حمد خدا خواند و حکیم در نوادر الاصول از ابی حو

در حدیث است که اگر اهل بهشت رغبت  
 سرو کنند با دمارا حکم شود که در شاخهای سبز و زیتان که از مر و اریست در آیند و حرکت دهند  
 بقسمیکه آواز ناخوش سریند و در زیتان را حکم شود که نندگان من خود را در دنیا از معارف و مزایم  
 باز داشته بودند آنها را بشنوند پس آواز های خوش از در زیتان به تسبیح و تقدیس بر آید و نیز  
 ملائکه آواز های خوش به تسبیح و تقدیس گویند و گویند لا خوف علیکم و لا هم یحزنون و نیز در حدیث  
 آمده که داود علیه السلام را حکم شود آن حضرت با آواز خوش حمد خدا خواند و حکیم در نوادر الاصول از ابی حو

در حدیث است که اگر اهل بهشت رغبت سرو کنند با دمارا حکم شود که در شاخهای سبز و زیتان که از مر و اریست در آیند و حرکت دهند بقسمیکه آواز ناخوش سریند و در زیتان را حکم شود که نندگان من خود را در دنیا از معارف و مزایم باز داشته بودند آنها را بشنوند پس آواز های خوش از در زیتان به تسبیح و تقدیس بر آید و نیز ملائکه آواز های خوش به تسبیح و تقدیس گویند و گویند لا خوف علیکم و لا هم یحزنون و نیز در حدیث آمده که داود علیه السلام را حکم شود آن حضرت با آواز خوش حمد خدا خواند و حکیم در نوادر الاصول از ابی حو



بسبب نماز و روزه حق تعالی رویهای شان را نور بخشید و جسد های شان را سفیدی و  
خوبی و مجامر شان از مردار پدید و شانهای شان از زرد باشد ام سلمه پسر سید یا رسول الله صلی  
در دنیا و بخوبی بگذشتند یا سکه یا چهار و بهشت کرد باشد فرمود که او را اختیار داده شود پس اختیار کردند  
نیکوتر را در اخلاق همچنین ام حبیبیه روایت کرده ابن سعد از ابی الدرداء روایت کرده که زن  
آخر از واج را باشد و ابن سعد از ابی بکر صدیق رضی الله عنه روایت کرده که اگر زنی را شوهر صالح  
مرد و آن زن شوهر دیگر نکند و در بهشت با وی جمع شود حق تعالی فرماید انا انشانا هن انشاء  
فجعلنا هن ابکارا عرا بآلها یعنی حق تعالی از زنان دنیا را چون در بهشت داخل خواهد کرد باکره  
و عاشقه شوهر خود و همه زنان بیک عمر باشند و ترندی و بهیمنی از انفس از ان حضرت صلی الله  
علیه و آله و سلم روایت کرده که هر زن که چشم و چهره و چشم را حق تعالی جوان ابکار سازد و غیر  
همچنین ام سلمه روایت کرده و در دیگر احادیث آمده که اهل بهشت هر روزن همه بیک عمر باشند  
نهی و سته سال حق تعالی فرماید جوهر عین یعنی سیاه چشم و کلان چشم کاشمال اللؤلؤ و المکنون  
یعنی مانند مروارید در صدف و میفرماید خیرات حسان یعنی نیک خود خوشتر و این را  
از ادعای روایت کرده نیکو خود باشند زبان دراز پیوده گونا باشند رشک یکدیگر نکنند  
اینانند بهند قاضیات الطرف یعنی چشم خود بر از واج خود کوتاه دارند بسوی دیگری نمبینند  
و فرموده که عجب اقربا یعنی پستان نوحا ستم هم سن این الی الدنیا از انشای ان حضرت صلی  
الله علیه و آله و سلم روایت کرده که جوهر بهشتی اگر در روی شوی و این انداز تمام در این  
شود بهیمنی از ابن عباس از ان سرور روایت کرده که اهل بهشت را قوت جماع آن قدر باشد  
که در صبحگاه با صد زن جماع کند و بجز از ابی امامه از ان حضرت روایت کرده که آلات بهشت  
مانده نشود و شهوت منقطع نگردد و بجز از غیره از ابی سعید از ان حضرت صلی الله علیه و آله و سلم  
روایت کرده که اهل بهشت با زنان خود جماع کنند باز زن باکره شود لیکن از جماع در جنبت  
توالد نباشد و اگر کسی احیانا آرزوی ولد کند حمل و زادن و جوان شدن مولود در ملک است  
و ست و بد کند از روی الزیمی البیتقی و غیره صلی الله علیه و آله و سلم در حدیث آمده که روی با یکی از  
عین صحبت داشته باشد ناگاه نوسی از بالا ظاهر شود گمان برد که تجلی حق شد فلان شوهر که عیسی است بهتر از ان

بکثرت بسیار آمده شاید آن باعتبار بعض اشخاص باشد لیکن در روایت دوزن از اهل دنیا  
 شبیه پیش می آید که در حدیث صحیح است که آن حضرت دوزن را گفت که اگر اهل دنیا نمی نود  
 شدم من اکثر اهل دوزن را دوزن را گفتند چرا رسول الله فرمود که شما بسیار از دوزن می کنید  
 و کفران نعمت شوهران می نمایند و نیز آنحضرت فرمایند که دوزن را دوزن فرمایند که دوزن را دوزن  
 سنجند و سنج پا فرمود از دوزن و داخل بهشت نشوند مگر مانند این غراب از غرابهاست یعنی  
 بسیار کم و ازین حدیث معلوم می شود که دوزن در بهشت از مردان مضاعف باشند و جبهه چنان  
 می توان کرد که مراد از نفی دخول دوزن و بهشت آن باشد که بدون تعذیب و غسل  
 بهشت نشوند لیکن انجام شان به بهشت باشد و مراد اکثر اهل النار و خولا و اخلو و ابلیس  
 آنکه علت دخول شان در دوزن کفر بجهان فرموده بلکه اکثر اهل کفران شوهر فرموده و تحمل که  
 مراد آن باشد که هر کس از امت محمدی دوزن باشد گوشت از آن امم سابقه باشند یا طفل  
 مرده باشند از اطفال مومنین یا اطفال کفار و وقت دخول جنت جوان باشند و زکاح مردان  
 مکلف داده شوند لیکن زنان که در دنیا عمار و روزه کرده اند از همه بهتر باشند زنان بهشت  
 پاک باشند از حیض و بول و غائط و آب دهن و آب بینی و ولد و منی آنحضرت صلی الله علیه  
 و آله و سلم فرمود که اگر زنی از زنان بهشت ظاهر شود ما بین آسمان و زمین روشن و خوشبو کند  
 روشنی آفتاب را پوشد و دامن سر او از دنیا و مافیها بهتر باشد و فرمود آنحضرت صلی الله  
 علیه و آله و سلم که در شب مواع چون داخل بهشت شدم در موضعی که بیخ نام دارد در آن  
 نیمه یاقوت و مروارید و زبرجد بود و از زنان شنیدم السلام علیک یا رسول الله پسیدم  
 یا جبرئیل این چه آواست گفت آئین مقصودات فی النبیام انداز حق تعالی اذن خواستند  
 که بر تو سلام گویند اذن شد پس آنها گفتند ما زانیم ماضی گاهی ناخوشی کنیم همیشه باشند گاهی  
 گاهی منفر کنیم طبری از ابی امامه روایت کرده که آن حضرت صلی الله علیه و آله و سلم فرمود که حوران  
 از عذرا ن مخلوق باشند و این مبارک از زید بن اسلم آورده که پیدایش آنها از مشک و زعفران  
 و کافور باشد از خاک و طبرانی و بیهقی از ام سلمه روایت کرده که آن حضرت فرمود صلی الله علیه  
 و آله و سلم که زنان دنیا از حوران بهشت در حسن فضل باشند مانند فضل ابرو بر استر

لن حاصل آنکه نموده اند و یاد شما ای زنان اکثر دوزن می آید و این روایت از آن حضرت صلی الله علیه و آله و سلم است که در حدیث آمده است که دوزن را دوزن فرموده و تحمل که مراد آن باشد که هر کس از امت محمدی دوزن باشد گوشت از آن امم سابقه باشند یا طفل مرده باشند از اطفال مومنین یا اطفال کفار و وقت دخول جنت جوان باشند و زکاح مردان مکلف داده شوند لیکن زنان که در دنیا عمار و روزه کرده اند از همه بهتر باشند زنان بهشت پاک باشند از حیض و بول و غائط و آب دهن و آب بینی و ولد و منی آنحضرت صلی الله علیه و آله و سلم فرمود که اگر زنی از زنان بهشت ظاهر شود ما بین آسمان و زمین روشن و خوشبو کند روشنی آفتاب را پوشد و دامن سر او از دنیا و مافیها بهتر باشد و فرمود آنحضرت صلی الله علیه و آله و سلم که در شب مواع چون داخل بهشت شدم در موضعی که بیخ نام دارد در آن نیمه یاقوت و مروارید و زبرجد بود و از زنان شنیدم السلام علیک یا رسول الله پسیدم یا جبرئیل این چه آواست گفت آئین مقصودات فی النبیام انداز حق تعالی اذن خواستند که بر تو سلام گویند اذن شد پس آنها گفتند ما زانیم ماضی گاهی ناخوشی کنیم همیشه باشند گاهی گاهی منفر کنیم طبری از ابی امامه روایت کرده که آن حضرت صلی الله علیه و آله و سلم فرمود که حوران از عذرا ن مخلوق باشند و این مبارک از زید بن اسلم آورده که پیدایش آنها از مشک و زعفران و کافور باشد از خاک و طبرانی و بیهقی از ام سلمه روایت کرده که آن حضرت فرمود صلی الله علیه و آله و سلم که زنان دنیا از حوران بهشت در حسن فضل باشند مانند فضل ابرو بر استر



و فرموده که هر که در دنیا و ظرف زیر یا نقره خورد و آخرت از آن نخورد **فصل** در صحیحین است که مومن را بوی  
پوشانیده شود تا جای که آب و نفوس آنجا رسیده و حاکم و ترندی و غیره از آن حضرت صلی الله  
علیه و آله وسلم آورده که بهشتیان را تاج باشد که اوئی مروارید آن باین شرقی مغرب و شرقی  
و آن حضرت فرموده که هر که مرده را کفن جداوار از سندس استبرق بهشت پوشانیده شود و  
فرموده که هر که مصیبت زده را تعزیت کند حق تعالی او را دو حله پوشانده که تمام دنیا قیمت آن  
و فرموده که هر که ترک لباس نیت کند تواضع با وجود قدرت حق تعالی او را بر سر خلاق طلب کند  
و مختار سازد از حکمای ایمان هر چه خواهد پوشد نفسان گفته اند که کسی از اهل بهشت نباشد  
مگر آنکه او را سکه دست بند باشد یکی از زر و دوم از نقره سوم از مروارید و کعب اخبار است  
که حق تعالی فرشته پیدا کرده است که از روز پیدایش خود تا روز قیامت زیور بهشتیان تیار  
میکند از سعید بن جبیر و تفسیر قوله تعالی بطنانها من استبرق طبعی فرشتهای بهشتیان را استبرق  
استبرق باشد مرویست که گفته شود اهر آن یعنی ابرهای شان از نور مجاد باشد **فصل** در صحیحین  
فیما علی الاثر آنست یعنی تکیه زده بر آنکه تان بنشیند آنکه را در بندی چه کبرت گویند که در زیر آن  
یعنی چهار پایی باشد و الای آن جمله باشد مجاد گفته آنکه با باشند از مروارید و یا قوت و نمارق  
مصنوفه یعنی تکیه با با هم صفت بسته از این عباس مرویست که خیمه از مروارید مجوف باشد فرسخ در  
فرسخ چهار هزار تخمه از زر و در آن باشد متقالین یعنی اهل بهشت روبرو بنشینند بعضی  
پشت ندید و در صحیحین از ابی موسی اشعری از آن حضرت صلی الله علیه و آله وسلم روایت که خیمه یک  
مروارید مجوف باشد که شصت کرده عرض آن باشد در هر گوشه از آن اهل خانه باشند بر آن مومن که دیگر  
اهل خانه را بینند و آن مومن بر همه آنها بگذرد **فصل** در صحیحین از آن حضرت صلی الله علیه و آله وسلم  
مرویست که هر کس در بهشت دوزجیه باشد و ترندی پسند صحیح از انسان آن حضرت روایت کرده  
که تزوج کرده شود مومن به نقاد و زوج گفتند یا رسول الله قوت به نقاد از آن است باشد و چون که قوت  
صد زن داده شود و این عساکر و این السکن این حاطب بن ابی لبته و احمد و ترندی از ابی سعید  
خدی از آن حضرت صلی الله علیه و آله وسلم روایت کرده که به نقاد و دوزجیه به نقاد از خلقت  
بهشت و دوزن از اهل دنیا از این روایت تطبیقی هر سه روایت گشته و در بعضی روایات مذکور

قوله از حدیثی صحیحی است از ابی موسی اشعری از آن حضرت صلی الله علیه و آله وسلم روایت کرده که خیمه یک مروارید مجوف باشد که شصت کرده عرض آن باشد در هر گوشه از آن اهل خانه باشند بر آن مومن که دیگر اهل خانه را بینند و آن مومن بر همه آنها بگذرد



که شدید الجریان باشد و چشمه باشد کافور نام و چشمه باشد زنجبیل نام و چشمه باشد تسنیم نام  
که بتیرین شهرهای بهشت است صرف از آن منقربان خورند و دیگران را از آن خلط می شود  
حق تعالی امی فرماید و مزاجیه من تسنیم حینا یشرّب بها المقربون رسول فرمود صلی الله علیه  
و آله و سلم که نهرهای بهشت از کوه مشک برآیند و فرموده که نهرهای بهشت در غار فرو  
بروی زمین روند کناریهای شان از مرورید و خاک آن از مشک باشد و از این عباس  
رضی الله عنه مروی است که در بهشت نهری هست که آن را میوه گویند بروی قبهها  
باشند از یاقوت زیر آن و خمران باشند و نیده مردم برای سیرانجا آیند و آن دختران  
بینند اگر دختری کسی را خوش آید دست خود بوی ساند آن دختر همراه او شود و بجای او دختری  
و گیر برود و در حق نهرهای بهشت حق تعالی میفرماید یفجر و منها تفجر یعنی اهل بهشت چو  
که خواهند آن نهر را را آنجا بزنند با اهل بهشت قضیهها باشند از نهر و آن قضیهها اشاره کنند  
همراه آن قضیهها نهر جاری شوند از ابی سعید خدری روایت کرده که آنحضرت فرمود  
صلی الله علیه و آله و سلم که هر که مسلمان را در شنگی آب خواند حق تعالی او را از حریق محترم  
بنوشاند و حقیق محترم عبارت از خمر است که در آخر آن لذت دویی مشک باشد و از خمر  
بهشت صلح نشود چنانچه در قرآن است و عقل ناکمل نگردد چون اهل بهشت را غیبت  
شراب شود بدست او آن قدر داده شود که نه زیاده باشد از خواستهش او نه کم و فرمود که  
بر که در دنیا خمر خورد و توبه نکند در آخرت از آن محروم باشد اگر چه داخل بهشت شود و  
فرموده که هر که خمر خورد در دنیا یا بچه صغیر را خوراند و احق تعالی حیمیم خمر خوراند و هر که بوفی خدا  
خمر را ترک دهد با وجود قدرت بر آن او را در خطیر القربس خوانیده شود و حدیث وارد شده  
که در بهشت درخت باشد که از آن لباس هفتتیاں برآید اگر خواهی سفید و اگر خواهی سرخ  
و اگر خواهی سبز و اگر خواهی سیاه و اگر خواهی زرد و باریکتر و خفیهتر این ابی حاتم از کعب احبار  
آورده که اگر پارچه بهشت را کسی در دنیا پوشد چشمها و بدن او را متحمل نشود هر که آید بپند  
بپوشش شود و بپیرد و صاحبی از عکرمه روایت کرده که لباس هفتی و یک ساعت بمقدار نگذرد  
شود و در صحیحین است که آنحضرت فرموده که هر که خمر در دنیا پوشد در آخرت نپوشد اگر چه داخل بهشت شود

صلی الله علیه و آله و سلم فرمود که چشمهها را از نهرها جدا نکنند و اگر در میان آنها رود و اگر در میان آنها رود و اگر در میان آنها رود







و در حق کسیکه خود را بغیر پدر خود نسبت کند و در حق کسیکه منت مند بعمل خود و کسیکه نافرمانی والدین کند و کسیکه مدمن خمر باشد و کسیکه قطع رحم کند و کسیکه در پیری زنا کند و کسیکه تکبر از بار خود بر زمین کشد و کسیکه خضاب سیاه کند و فرمود آن حضرت صلی الله علیه و آله و سلم مردی که مرد و در دل او مقدار دانه خردل کبر باشد حلال نیست او را که بوی بهشت بوی رسید یا بهشت را بیند **فصل** در صحیحین ابلی هر بره را مرویست که رسول فرمود صلی الله علیه و آله و سلم که درخت آن بهشت آن چنان باشد که اگر در سایه او سوار صد ساله راه رود سایه او را قطع نکند و تیره می از اسما ربیت ابی بکر از آن حضرت صلی الله علیه و آله و سلم روایت کرده که در ذکر سدره المنتهی فرموده که سیر کند سوار در سایه یک شاخ وی صد ساله راه و در آن پروانه های زیبا باشند و ثمر آن مثل قند باشد و فرمود آن حضرت صلی الله علیه و آله و سلم طوبی درخت است صد ساله راه پارچه پوشاک بهشتیان از آن بر آید و فرمود آن حضرت صلی الله علیه و آله و سلم درختی در بهشت نباشد مگر آنکه تنه او از زر باشد و از این عباس روایت که گفته است راتنه زرد و سبز و شاخ های آن طلای سرخ و برگ آن پوشاک اهل بهشت قطعی است و هم حلهای و ثمر آن مثل قند سفید و شیرین تر از عسل و نرم تر از زبد و نباشد او را خسته سلمان فارسی رضی الله عنه چوبی خرد و درست گرفت و گفت اگر در بهشت اینقدر چوب طلب کنی نیابی مردم گفتند که آنجا غل و شجر باشد فرمود که هیچ و تنه آن از مروارید و زر باشد و بالای آن ثمر باشد یک اعرابی از آن حضرت صلی الله علیه و آله و سلم گفت یا رسول الله در بهشت درختی نکرده شده که اینداسی کند صاحب خود را فرمود آن چیست گفت سدره فرمود حق تعالی میفرماید فی سدره منضوی یعنی قطع کرده شده قطع کند حق تعالی خارا و را بجای هر خار ثمره باشد از ثمره هفتاد و دو رنگ بر آید که مشابه یکدیگر نباشد و ثمره درختان بقسمی باشد که استاده و نشسته و بر زمین خفته بر حال می توان گرفت تمام بر رضی الله عنه گفته که زمین بهشت از نقره باشد و خاک او از مشک و درختان از نر و نقره و شاخها از مروارید و زرد و ثمر با بقسمی استاده و نشسته و خفته آن را بگوید و بر روی رضی الله عنه گفته که ثمره جنت هرگاه شکسته شود بجای آن دیگر قائم نشود و ابی هریره گفته که سدره بهشت را طوبی گوید حق تعالی میفرماید مشکاف برای بنده صالح من هر چه خواهد

له سدره المنتهی اگر درخت ناری است و استخوان هم در تنه های اعلام و درخت ۱۲ قلعه بنظر مخالف نوشته در نظام سجده بزرگ ۱۳ قلعه قطع می نماید شاخ قطع کرده شده اهل بهشت که موافق بدن هر یک باشد ۱۴

و در هر حجره هفتاد خوان بر نه خوان هفتاد رنگ طعام و در هر خانه هفتاد غلام و هفتاد کنیز و مسلمان  
 را قوت جمیع آن مقدر باشد که با همه زوجات جمیع کند و در احادیث اعمال صالحه که سبب بقا  
 خانه و بهشت باشد بسیار مذکور شده اند از آن جمله بنا کردن مسجد و مواظبت بر سنن و بیت  
 و در محض و چهار گانه پیش از عصر و دو رکعت خواندن در میان مغرب و عشاء و سوره دخان  
 خواندن شب جمعه و روز جمعه و روزه داشتن چهارشنبه و پنجشنبه و جمع و در حدیث آمده که هر  
 وقت داخل شدن بازار گوید اللهم انی انا لله و الله الی ربی که ملک و الهی است  
 و بهیچ لایوت بیده انجیس و بهیچ علی کل شیء قدیر نوشته شود بر اس او هزار در هزار  
 حسنه و دو رکعت شده شود از وی هزار در هزار گناه و بنا کرده شود خانه و بهشت آنحضرت فرموده  
 که هر که ده بار سوره اخلاص خواند یک خانه برای او و در بهشت بنا کرده شود اگر بیست بار خواند و ده  
 و اگر شش بار خواند سه خانه عمر گفت یا رسول الله درین صورت بسیار خانه ها و بهشت کنیم  
 فرمود که فضل خدا فراخ تر است بطرانی از حکیم بن محمد روایت کرده که بسبب ذکر خدا بنا در  
 بهشت میشود چون شخص از ذکر منبذ میشود از بنا کردن بعد میشود پس گفته شود آنها را  
 که چرا باز ماندید از بنا گویند تا که ما را نفقه رسد و همچنین از علی بن ابی نعیم روایت کرده و در  
 حدیثی آمده هر که این بگوید و او صبر کرد و حمد گفت و ان الله و ان الله را جمعون گفت حکم شود که یک خانه  
 برای بنده سن خانه و بهشت و نام نهند آن خانه را بیت الحمد و فرمود که هر که وصفت نماز  
 یا صف تنال فرجه بند کند حق تعالی درجه او بلند کند و بنا کند برای او خانه و بهشت فرمود  
 هر که در غلغله ترک کند خانه او یکسره و بهشت بنا شود و هر که ترک کند جهال و احمق باشد بنا  
 خدا برای او خانه در میان بهشت و هر که اخلاق حسن باشد در اعلی بهشت خانه او باشد و  
 فرمود و هر که در رمضان نماز خواند به سجده هزار حسنه نوشته شود و خانه و بهشت بنا شود  
 از یا قوت سرخ و فرمود هر که قبر مسلمان کند خانه او در بهشت بنا شود **فصل بیست و یکم** در  
 ساله راه رسد و در بعضی احادیث آمده از هفتاد ساله راه و در بعضی یا نصد و هفتاد ساله راه  
 و حدیثی آمده از هزار ساله راه رسول فرمود صلی الله علیه و آله و سلم که هر که ذمی را کشت او را بوسه  
 بهشت نرسد و همچنین واروده در حق کسی که رعیت خود را رعایت و پرورش نکند

اعمال که سبب بقای خانه و بهشت باشد ۱۱۱  
 ۱۱۱ تحقیق بر این است که هر که اینها را بخواند و عمل کند از بهشت نماند







بودم و شما نسب دیگر گفتید من تقی را اگر م ساخته شمار یعنی نه پسندیدید و گفتید که فلان بن فلان  
 از فلان بن فلان بهتر است امروز نسب مقرر کرده خود را بلند کنیم و نسب شما را پست سازیم  
 تنقیان کجا اند یعنی مرتبه متقدمان بقدر تقوی بلند شود و در حدیث آمده که دود و کس در راه خدا  
 همه صحبت باشند و اعمال صالحه کنند غنی و فقیر صحیح و مریض و هر مملوک و بنده خلق و بد خلق و جمیع خلق  
 مرتبه صحیح بر مریض و هر مملوک و غنی بر فقیر و نیک خلق بر بد خلق برتر کند فقیر و مریض و مملوک و بد خلق  
 گویند آئی ما با هم در راه تو هم صحبت بودیم و عمل صالح میکردیم اینها را برابر چو افضلیت و ادبی گفتید  
 شود که غنی مال خود در راه خدا خرج کرده است و صحیح و حراز مریض و مملوک و اعمال صالحه را یاد  
 کرده اند و نیک خلق را بسبب حسن خلق فضیلت شده فقیر گوید که آئی اگر ما مال میاریم میمانیم  
 در راه تو خرج میکردیم و مریض و مملوک گویند آئی اگر ما صحیح و مریض و مریض و مریض و مریض و مریض  
 فرمایید که راست گفته ای پس فقیر را برابر غنی و مریض را برابر صحیح و مملوک را برابر مریض و مریض و مریض و مریض  
 بد خلق هیچ جواب نیاید فصل در بهشت و دوزخ باشد نازیان را از باب الصلوة  
 و صائت از باب الصوم و صدقة و من کا من باب الصدقة و من کا من باب الصدقة و من کا من باب الصدقة  
 شود ابو بکر گفته یا رسول الله از هر در که طلبیده شود خوب است لیکن کسی باشد که او همه دراز ناوار  
 طلبیده شود فرمود امید دارم که تو از آن دم باشی و قریبی گفته از همه در با طلبیدن بنابر اکر ام است  
 و حدیثی آمده که انسان بر عمل که بیشتر کند بهمان و طلبیده شود و در حدیث آمده که هر که بجز من  
 اشهد ان لا اله الا الله و حده لا شریک له و اشهد ان محمدا عبده و رسوله گوید بهشت دروازه بهشت  
 برای او گشاده شود از هر چه خواهد داخل شود و فرموده که هر که ناز بچگانه و روزه رمضان کند  
 و زکوة دهد و از بهشت کبیره بریزد و بهشت دروازه بهشت برای او گشاده شود و بشارت  
 بکشادن بهشت دروازه بهشت وارد شده در حق کسیکه سه فرزند طفل او را مرده باشند و  
 در حق کسی که نه آب دهد و اگر سینه را از طعام بگیرد و در حق زنی که تقوی کند و محافظت  
 خود و متابعت زوج خود کند و در حق کسی که چهل حدیث یاد کند که مردم را نفع دهد و در حق کسی که  
 او را دود و خریاد و خواهر یار و عمت باشد و آنها را پرورش کند فصل رسول فرمود صلی الله علیه  
 و آله و سلم که دیوار ای بهشت را خشتی از زر و خشتی از سیم و بجای گل مشک باشد و سنگی از

در حدیث آمده که هر که ناز بچگانه و روزه رمضان کند و زکوة دهد و از بهشت کبیره بریزد و بهشت دروازه بهشت برای او گشاده شود و بشارت بکشادن بهشت دروازه بهشت وارد شده در حق کسی که سه فرزند طفل او را مرده باشند و در حق کسی که نه آب دهد و اگر سینه را از طعام بگیرد و در حق زنی که تقوی کند و محافظت خود و متابعت زوج خود کند و در حق کسی که چهل حدیث یاد کند که مردم را نفع دهد و در حق کسی که او را دود و خریاد و خواهر یار و عمت باشد و آنها را پرورش کند فصل رسول فرمود صلی الله علیه و آله و سلم که دیوار ای بهشت را خشتی از زر و خشتی از سیم و بجای گل مشک باشد و سنگی از

صاحب قرآن را گفته شود که قرآن را بخوان و ترقی کن و تریل کن و نیایچه تریل میکردی و دنیا و دنیا دوستی که کردی و بهشت نظر بفرمودی از فوق و درشت که بهر او را خیره کند بگوید که این چیست گفته شود که این نوع برادر است فلان گوید که من و او در دنیا با هم بودیم و عمل میکردیم و این قدر او را بر من فضل چرا باشد گفته شود که آواز تو در عمل افضل بود حق تعالی او را در اول او را هدایت کند و در حدیثی سبب افضلیت مذکور شده که آنها که سنگی کشیدند و شما سیر بودند و آنها شنگی می تراشتند و شما سیراب می شدید و آنها شبها بیداری میکردند و شما خواب میکردید و در حدیثی آمده که نزد خدا درجه ایست که تا آنجا بعمل نتوان رسید حق تعالی غده را مبتلا کند تا آنجا رسد و آن حضرت صلی الله علیه و آله و سلم فرمود که در بهشت درجه ایست که غیر سادات از اصحاب هموم و فرمود در درجه ایست که نه سادات از آنجا که سبب باو شاه عادل و ذورحم وصل کننده و عیال را صابر و فضل حق تعالی میفرماید و الذین امنوا و اتبعتم فریتهم بایمان الحقنا بهم فریتهم و ما التناهم من علمهم من شیء ط یعنی کسانی که ایمان آوردند یعنی ایمان کامل و تبعیت کردشان لا اولاد آنها با ایمان یعنی آنها منون هم هستند لاحق کنیم آنها اولاد آنها را و از عمل شان چیزی کم نکنیم آن حضرت فرمود صلی الله علیه و آله و سلم که حق تعالی افریت مسلمان را بدرجه او رساند برای کسی که چشم او و در حدیثی آمده که چون مردی داخل بهشت شود از مادر و پدر و فرزندان خود پرسد گفته اند که آنها بدرجه تو نرسیده و مثل تو عمل نکرده اند گوید ای پروردگار من آنچه عمل کرده ام بر خود و بر آنها کرده ام پس امر شود بالحق آنها و فرمود که هر که باندی در جات خواهد باید که عفو کند کسی که بی روی ظلم کرده و بدید کسی که او را محروم کرده و وصل کند با کسی که از وی قطع کند و فرمود که هر که برساند بسو باد شاه برادری را برای جلب نفع یا دفع ضرر خدا در جات او بلند کند و فرمود که هر که کفایت کند یا فال از پزنده گیرد و از سفر باز ماند بدرجات بلند رسد و اگر چه می گفته که هر شخص قصه که در دنیا از طعام یا شکر خطر بردارد و آخرت درجه او کم شود فقیر گوید که این قول معمول بر اسراف است و اگر نه در حدیث آمده طعام الشاکر کالصائم الصابر این عمر گفته که شخصی با غلام خود داخل بهشت شود و درجه غلام بلند باشد گوید ای پروردگار این غلام من بود و در دنیا گفته شود که این فکر خدا بیشتر از تو کرده با ای ای هر چه روایت کرده که آن حضرت فرموده که روز قیامت حق تعالی نماند که من نسبت محرم کرد

لما خلدوا سائر الناس لا انما نزلوا و انما نزلوا



که رسول فرمود صلی الله علیه وآله وسلم هر که ایمان آورد بخدا و رسول او صلی الله علیه وآله وسلم نماز گذارد و زکوة دید و روزه رمضان گذارد و حق است بر خدا که او را داخل بهشت کند و راه خدا را  
 کند یا در خانه خود نشسته باشد یعنی غرض او کند و جهاد و فرض عین نیست غالباً مردم گفتند  
 یا رسول الله خبر بیدهی مردم را بدان فرمود که در بهشت صد درجه است که میگوید حق تعالی  
 آن درجات را برای مجاهدین فی سبیل الله میان هر درجه آنقدر تفاوت است که در میان آسمان  
 و زمین است پس چون سوال کنید از حق تعالی سوال کنید فردوس را که بهتر است است یا آن  
 آن عرش رحمن است از آنجا نمرائی بهشت می شکافد ازین حدیث معلوم میشود که صد درجه است  
 فی سبیل الله راست و برای دیگر اهل حسنات و دیگر درجات باشند و در دیگر احادیث  
 آمده از معاذ و عباده بن الصامت رضی الله عنهما که آن حضرت فرمود صلی الله علیه وآله وسلم  
 و سلم بهشت را صد درجه است میان هر دو درجه مانند تفاوت آسمان و زمین است و  
 فردوس اعلی از همه است شاید که مراد این احادیث درجات مجاهدین باشد و در حدیثی  
 آمده که هر که یک تیر بسوی دشمن خدا اندازد حق تعالی درجه او بلند کند و میان دو درجه  
 صد ساله راه باشد و در حدیثی آمده که در بهشت صد درجه است میان هر دو درجه تفاوت آسمان  
 و زمین است و درجه اول خانها و بنتها و دریا و دیوارها و قفلهها از نقره است و در درجه ثانیه آن  
 از زر است و در درجه سوم همان از یاقوت و مروارید و زبرجد است و نود و نهمت درجه نهمست  
 که میداند از اجز حق تعالی و مسلم از ابی بریره روایت کرده که آنحضرت فرمود آبا خبر دادیم شما را از چیزی  
 و در کند فلایا و بلند کند درجات گفتند علی فرمود اسبلغ و ضویر مکاره یعنی در حالت ناخوشی آن  
 استعمال آب وضو بخوبی کند و در وقت سجده و انتظار نماز بعد نماز همین است ربط وقتی از  
 از عائشه روایت کرده که آنحضرت فرمود که درجات بهشت بعد آینهای قرآن است پس هر که داخل شود  
 در بهشت اهل قرآن بالای او درجه نباشد یعنی هر که تمام برکات قرآن گیرد تمام درجات را بگیرد این  
 حدیث را بران حمل نباید کرد که درجات بهشت شش هزار و شصت و شصت است و شش است بعد  
 آیات قرآن بلکه حمل بران باید کرد که هر قدر که آیات قرآن اتکا کند برای او درجات بهشت  
 بیفزاید اصحاب سخن و ابن جبران از ابن عمر روایت کرده که آن حضرت فرموده

که با هر کس که از این حدیث روایت کند و در آن حدیث است







که وقتی که بهشتیان در بهشت شوند و در خیابان در دوزخ مانند موت را بصورت کش سیاه در میان دوزخ و بهشت متورده شود و گفته شود ای اهل بهشت و ای اهل دوزخ موت را بشناسید هر یک که گردن دراز کند و بیند و گوید آری این موت است پس او را فریاد کرده شود و گفته شود ای اهل بهشت خلوت دست و ای اهل دوزخ خلوت دست موت نباشد رسول فرمود صلی الله علیه و آله و سلم که اگر اهل دوزخ را گفته شود که شما در دوزخ باشید عدد سنگ ریزه دنیا هر آنکه خوش شوند و اگر اهل بهشت را گفته شود که شما در بهشت باشید عدد سنگ ریزه دنیا هر آنکه نکلین شوند لکن بمانند خلوت دست ای از این مسعود مر و نیست که چون باقی ماند کسی که در دوزخ محکوم باشد در صند و قهای آهنی کرده و بر آن میخهای آهنی زده و آن صند و قهای را در صند و قهای دیگر آهنی کرده انداخته شوند یا کین تر دوزخ پس هر یک از آنها اندک که بخواهد کسی بگوید در عذاب نیست و هم از این مسعود مر و نیست که منافقان را در صند و قهای آهنی کرده و در درک اسفل دوزخ در تنور با سه تنگ تر از میخ که کوفته شود و تیر کرده شود و آن را تجب الحزن گویند

## باب چهارم در صفت جنت و در دوزخ و بهشت و نعمتهای

دخول بهشت محض بفضل خداست جل و علا در صحیحین از عائشه صدیقه مر و نیست که رسول فرمود صلی الله علیه و آله و سلم محکم گیرید کار خود را و نزدیک جویید بخدا و خوش باشید بدستی که داخل بهشت نخواهد کرد کسی را عمل او گفتند یا رسول الله و نه ترا فرمود و نه مرا اگر آنکه بیوشد در حق تعالی بخل و رحمت خود و در صحیح مسلم از جابر مر و نیست که آن حضرت فرموده داخل بهشت نخواهد کرد کسی را عمل او و نه خلاص خواهد کرد کسی را از دوزخ عمل او و نه مرا اگر رحمت از خدا این چنین در احادیث بسیار آمده و این سخن مشکل میشود بقیه تعالی او خلوات الجنة بما کنتم تعملون یعنی داخل شوید بهشت را بسبب اعمال خود جواب داده میشود بدانکه اصل دخول جنت و خلوت در آن بفضل خداست چرا که خلوت غیر متناهی است و اعمال متناهی است و تفاوت درجات جنت بسبب اعمال است هناد از ابن مسعود روایت کرده که خواهند که ششم و از هر طایفه خدا

له در که اسفل یا برترین ۱۲ طایفه جنت الحزن خوانند ۱۱





سواى امت محمد صلی الله علیه وآله وسلم در دوزخ انداخته شوند و نامى شان سیاه شود  
 و قید نامى آئینى در پا و طوقها در گردن آنها باشد و گناهیگان امت محمدی صلی الله علیه وآله وسلم  
 اگر در دوزخ انداخته شوند و نامى شان سیاه نباشند و نه قید در پا و نه طوق در گردن آنها را داشته  
 ملاک گوید که از شما خوبتر بر من وارد شده است شما از کلام است بتیید و گونید ما از امت محمدی  
 هستیم از ائمه المؤمنین علی و ابی هریره رضی الله عنهما مروی است که رسول صلی الله علیه وآله وسلم  
 فرمود که اهل کباب را از موحدان که بدون توبه مرده باشند هر که از آنها داخل دوزخ شود چشمها  
 شان از برق نشود و رو نامى شان سیاه نباشد و با شیاطین در یک زنجیر نکرده  
 شوند و طوق در گردن و زنجیر در پا نکرده شوند و جیم نخورانیده شوند و قطران نپوشانیده  
 شوند و خلود و آتش آنها را نباشد و صورت نامى شان بر آتش حرام کرده بسبب سجود بعضی  
 آنها آتش باشد تا قدم بعضی را تا پا رسیده و بعضی را تا ران و بعضی را تا کمر و بعضی را  
 تا گردن بقدر گناهان شان و بعضی از آنها یک ساعت و بعضی یک روز یعنی بقدر یک روز دنیا  
 و بعضی یک ماه و بعضی یک سال در دوزخ باشند بقدر گناهان از این خارج کرده شوند و در آخر  
 مدت ماندن شان در دوزخ مثل عمر دنیا باشد بفت هزار سال **فصل** چون خوابد حق تعالی  
 آنها را از دوزخ برآورد و نصاری و بت پرستان و غیره اهل ادیان باطله و منافق گویند  
 که ما و شما در دوزخ برابریم یعنی لایان شما چه فائده کرد حق تعالی از غضب آید و مومنان را از  
 دوزخ برآورد و بسوی چشمه که در میان صراط و بهشت است بنفکن پس آنها مانند سبزه  
 برویند پیشتر داخل بهشت شوند و بر پیشانی شان نوشته باشد جهنمیدین عقاب الله  
 بعد مدتی آن نوشته محو شوند پس حق تعالی فرشتگان را نفرستد باز در نامى دوزخ برسانند  
 باقی مانند پنبه کفای بنده کنند و نه خمها آتشی بر آنها نماند و احمد از ابی هریره  
 آورده که آنحضرت فرمود صلی الله علیه وآله وسلم که خشش کند الله تعالی بر روز  
 قیامت بر کسائیکه عمل نیک گاهی نکرده اند پس برآرد آنها را از دوزخ خسته شدن  
 پس داخل بهشت کند بر حمت خود بعد شفاعت شفاعت کنندگان و بنابر این عمر است  
 کرده که گفته بر آتش وقتی آید که باد را برآورد و کسی در آن نباشد شیخ محمد الیبرجی

لایعنی این مردم در دوزخ انداخته اند و کورده اند و خداوند



عاشقانه تصویر می روید کشند ۱۱

و خوابگاه من مست واجب است بر امت من گرمی کردن اهل مدینه را تا که برین نذر کباب و کسکیه  
چنین کند و راجع تعالی طینت خیال نوشاند و فرمود هر که در حق مسلمان گوید آنچه در وی نه  
خدای تعالی او را ساکن روزه خیال کند تا که بر آید از ان قول و برخواهد آمد از ان قول و فرموده که  
زنان نه که گرا و عصف کوزه بجانب یمن و بسیار دوزخیان استاده کرده شود پس آواز کرده باشند  
بر دوزخیان مانند آواز سگان و فرموده که پیاده های ظالمان سگان دوزخ باشند و در صحیحین  
آمده که آنحضرت صلی الله علیه و آله و سلم فرموده که سخت تر عذاب مصوران را باشد و در حدیثی  
آمده که سخت تر عذاب روز قیامت کسی را باشد که انبیاء را دشنام دهد بیشتر کسی که صاحب  
مرا دشنام دهد بیشتر کسی را که دیگر مسلمانان را دشنام دهد و فرموده که سخت تر عذاب کسی را  
باشد که بی را قتل کرده یا بی او را قتل کرده و بادشاه ظالم را و مصوران را و فرموده که سخت تر  
عذاب روز قیامت کسی را باشد که مردم را در دنیا عذاب سخت تر میکند و در حدیثی آمده که  
حق تعالی بعضی مردم را بدخول بهشت حکم کند چون نزدیک بهشت رسند و خوبی بهشت بینند  
حکم کنند که اینها را از بهشت بازگردانیده بدوزخ اندازند پس آنها بحسرتی بازگردند که دیگر  
دوزخیان را آن حسرت نباشد بگویند ای پروردگار اگر ما را از اول داخل دوزخ میکرد  
بهتر بود حق تعالی فرماید که همین خواستم که شما را حسرت و هم شمار خلوت گناهان عظیم میکرد  
و بحضور مردم بر خلاف آن میکردید از مردم هدایت میکردید و از من هدایت نمیکردید مردم را عظیم  
میکردید و مرا نمیکردید فعل بد برای مردم ترک میکردید و بر آن من ترک نمیکردید امر و می چشام  
شمار عذاب الیم و مجرم و دشتم شمار از ثواب و فرموده که برای بهتر از کنندگان با مردم دری  
بسوی بهشت کشاده شود و گفته شود یکی را از آنها برای خروج از دوزخ و او با کرب محنت آید  
چون نزدیک در رسد در را بند کرده شود همیشه بچین شده باشد تا آنکه چون دروازه کشاده شود  
و گفته شود که بیا از ناامیدی نیاید و در حق چند کس در احادیث وارد شده فلیتوبوا مقدره من النار  
یعنی باید که خانه خود در دوزخ سازد و کسیکه بر پیغمبر صلی الله علیه و آله و سلم دانسته دروغ بنزد  
و کسیکه دعوی دروغ کند و کسیکه شهادت دروغ دهد و کسیکه قسم دروغ خورده مال برادر مسلمان  
خورد و کسیکه دوست دارد آنکه مردم پیش او استاده باشند و در حدیث وارد شده که گناهکاران



در ظرف زریانقره آب خورده آتش دوزخ در شکم او آوار کند چنانچه آب در کوزه و همچنین هر که  
 اگر میان جبهه از حریب باشد او را طوق از آتش باشد و در صحیحین است که فرمود هر که خواب دیدن  
 ظاهر کند و ندیده باشد تکلیف داده شود که در دو جوگه دبد و نتواند و هر که سخن کسی را گوش نشنید  
 و او بشنیدن او را مضمی نباشد در گوش او سرب گذاشته ریخته شود روز قیامت و هر که صورت ذمی روح  
 سازد تکلیف داده شود که در آن روح داخل کند و هر که علم را یوشیه کند او را الکام از آتش  
 داده شود و هر که دوزبان باشد در دنیا یعنی روبروی شخصی بوضع دیگر گوید و غایبان بوضع  
 دیگر او را دوزبان باشد از آتش روز قیامت و هر که او را و منو یا شنه خشک ماند بکلیت باشد  
 یا شنه او را روز قیامت و فرمود آنحضرت صلی الله علیه و آله و سلم که در وضو در انگشتان خلال کند  
 تا آتش میان شان نیاید و در صحیحین است که آنحضرت صلی الله علیه و آله و سلم فرمود که هر که از دنیا  
 خود را انداخته مرده همیشه در دوزخ و زمین عذاب باشد و هر که زهر خورده مرده همیشه در دوزخ و زمین  
 خورده مرده باشد و هر که باهن خود را کشت همیشه آسمان او درست او باشد که در شکم منزه باشد و فرمود  
 هر که اهل مدینه را بدی خواهد در آتش گدازد چنانچه قلعی گداخته میشود و هر که غیبت کسی کند گفته شود که  
 بخور گوشت او در حالت مردگی چنانچه خور می گوشت او در حالت زندگی پس خورد و بسیار بخور  
 کشت در حدیث آمده که چهار کس باشند که در جیم و جیم بگردند و دلیل گویند و اهل دوزخ گویند که  
 اینها کیستند که نزدیکی شان ما را اندازد و زیاده از اندای نفس خود و را گویند ای ابجد تو ما را  
 اندازد و زیاده بر آنچه ما را بود یکی آنکه مال مردم برگردن او باشد و او انشود او معلق باشد و تا او  
 از آتش دوم آنکه از رسیدن بول بیارچه و بدن پر میزنند و اسمای خود را آتش کشد سوم آنکه از  
 سخن بد در مردم لذت گیرد و از دمان او ریم جاری باشد چهارم آنکه غیبت و نمیکند و همیشه گوشت خود  
 بخورد و از قیصورین زازان مرویست که گفته عالم که از علم خود منتفع نشد و از خیانت متاثری نشود  
 از بوی بد او و رسول فرمود صلی الله علیه و آله و سلم که فرجای زانیاں اندا و بند اهل دوزخ را  
 از بوی بد و در صحیحین است که رسول فرمود صلی الله علیه و آله و سلم که بد رستی که حق تعالی بخود لازم گرفت  
 آنکه هر که مسکرم خورد او را نوشاند حق تعالی میگفت خیال فرمود یعنی آشفته و در خیانت و در حدیثی  
 آمده که هر که خمر نوشد خدا او را جیم و جیم بنوشاند و فرمود رسول صلی الله علیه و آله و سلم که در دنیا هر که

له یعنی حدیثین ۱۱ و کل دلای ۱۲ و ثانی و ملکات ۱۳



که او را فعلین از آتش باشند که ازان و مانع او جوشد چنانچه دیگر می جوشد و آنکه کسی انمن  
در عذاب سخت تر نیست حال آنکه او کمتر است و در عذاب عباس رضی الله عنه از رسول صلی الله علیه  
و آله و سلم پرسید که ابوطالب حمایت تو می کرد و او را چیزی نفع کردی فرمود آری او در محض آتش است  
اگر من نمی بودم در درک اسفل می بود و محض آبی قلیل را گویند که تا شش انگشت باشد یا کمتر ازان  
در حدیثی آمده که ابوطالب را فعلین است از آتش که ازان و مانع او می جوشد

### باب چهارم در عذاب گناهکاران از مسالین

رسول فرمود صلی الله علیه و آله و سلم دو زخیان را آتش نه زنده باشند یعنی نبردگی  
راحت نه مرده باشند و بعضی کسان را آتش رسد پس میگردند و مثل نکشت شوند پس حکم شود  
بشفاعت آنها پس آنها را بر آورده بر نه های بهشت انداخته شود و اهل بهشت حکم شود که بر آنها  
آب ریزند پس آنها مثل سبزه برویند و در حدیثی آمده که گرمی و درخ بر است من مانند گرمی احمام باشد  
یعنی در حق بعضی کسان فرموده که بعضی و زخیان آتش نشناخته اند و بعضی با آواز و بعضی را  
مسالین و بعضی را تا خلق و بعضی تا سه فرموده زنان را که من شما را اکثر اهل و درخ دیدم و گفت چرا  
فرمود شما لعنت بسیار میگوئید و کفران نعمت شوهران میکنید و نیز در حق زنان فرموده که آنها را عطا  
شکر نمیکنند و بر بلا صبر نمیکنند و فرمود که مردی را در درخ انداخته شود پس بیرون آیند اسعای او  
پس او را آتش گردش کند چنانچه خرگه آسیا میگوید و در زخیان جمع شوند و بگویند ای فلان چه  
حال است ترا تو ما را امر معروف و نهی از منکر میکردی گوید که من شما را امر معروف میکردم و خود آن  
کار نمیکردم و نهی از منکر میکردم و خود مرتکب آن بودم و فرموده که سخت تر در عذاب مردی باشد که  
طلب علم میجواند که و طلب علم نکرد و مردی عالم که بعلم خود نفع نگرفت و فرموده که زانیه جلدی کنند  
در عذاب قاریان پیش از عذاب بت پرستان آنها گویند که شما در عذاب مابعدی کردید پیش از بت  
پرستان آنها گویند که عالم مثل جاهل نباشد یعنی معذور نباشد و در حق کسیکه قلاوه یا گوشواره  
یا دست بند از زر پوشیده آن حضرت صلی الله علیه و آله و سلم فرموده که قلاوه و مانند آن را  
نار باشد علما این حدیث را در زنان منسوخ گفته اند یا تاویل میکنند بعدم ادای زکوة و فرموده که



و کثره صبا با غدر و ترشای مثل خنجر برگاه نیش زنند رنج او تا چهل سال باقی ماند و در روایتی آمده  
که نیش کثره صبا مثل درخت طویل از خرم باشد مسلم از ابی هریره روایت کرده که رسول فرمود  
صلی الله علیه و سلم که بدان که فراق قدر فراق کرده شود که دندان او مثل کوه آهن باشد و پری پو  
و مسافت سه مرحله راه و بر روایتی آمده که مقعد او از کوه تادینه و در حدیثی آمده که باین نرینه گوش  
ترا و گوش کاف و هفت صد ساله راه باشد آتش بدن کاف را خورد تا که رسد بر دل او باد بدنش  
درست شود باز چنان کند تا ابد معاف و رضی الله عنه گفته که در یک ساعت صد بار جلد کاف را بزد  
شود و باز درست گردد و عمر رضی الله عنه گفته همچنین از رسول صلی الله علیه و سلم شنیده ام در  
بروایتی در ساعتی صد و بیست بار تبدیل جلد شود و بر روایتی شش هزار بار و از حسن بصری مروی  
که در روزی هفتاد هزار بار و جمع روایات متعدد اشخاص کفار می توان کرد و نیز چون در ساعتی  
شش هزار بار باشد در روز و از ده ساعت باشد هفتاد و دو هزار میشود با سقاط کسر جمع این  
روایت میشود و از حدیثی مروی است که در جهنم درنگان و سگان و گلهوها و شمشیرها از آتش باشند  
تا آنکه کافران را بدان کلاسیب قطع کنند و از آن شمشیرها عضو عضو جدا کرده پیش سگان بزنند  
و هر بار که عضوی را بر سر بجای آن عضوی دیگر قائم شود و در حدیثی آمده که آتش می کفایت آنچنان  
کند که آب را کشیده شود تا نیم سر رسد و لب پایین فرو رفته تا ناف رسد این عباس بن قیس  
قوله تعالی فلیضحک قلیلا و لیساکثیرا میفرماید که دنیا قلیل است در دنیا هر قدر بخوانند و چون  
دنیا منقطع شود گریه شان منقطع نگردد و رسول فرمود صلی الله علیه و سلم که در خیال گریزند  
تا که آب چشم منقطع شود آن زمان خون بگریند و در رویهای شان خند قهقهه شود که اگر کشیده و در آن  
بگذاهند جاری شوند و فرموده که در خیال مدتی آب چشم ریزند بستر مدتی ریم گریزند پس غارتان جنگند  
هم بدخشان شهادت در دنیا اگر ستمید حال کسی فریاد رس دارد آن زمان از آفرای خود که شستنیان  
اشتهان آن ای جماعه پوران و نادران و فرزندان بر آمده ایم از قبور تشنه و طول توقف  
تشنه ایم و احوال تشنه ایم بریزید بر ما آب یا آنچه خرابه شهادت است بعد چهل سال از اینجا جواب  
یا آنکه حق تعالی آب و غیره بر کافران حرام کرده است و در خیال را در دوزخ زخم و شقیق  
باشد یعنی آوازی شدیدی آوازی ضعیف مثل آواز خرازا بل دوزخ کسر و عذاب کسی باشد



لایس باکره اندک و کثیر و غیره



و آنه و سگ مرغی بر کافر غالب کرده شود و بحدی که برابر همه عذابها باشد پس فریاد کنند و طعام نهند  
 طعام داده شود که در گلو بسته شود پس یاد کنند که در دنیا آب طعام را از گلو فرو می بردند  
 فریاد کنند و آب خوابند پس حمیم بکلو بهای آهنی نزد رویهای شان کرده شود و اگر می آید  
 شان بریان شود چون در شکم داخل شود آنچه در شکم از معاست قطع کند آنگاه خازنان و نوح  
 را گویند و عاکنید از پروردگار که یک روز از عذاب کم کند خازنان گویند که رسولان نزد شما نیامده  
 بودند گویند که آمده بودند خازنان گویند شما دعا کنید و نیست دعای کافران مگر در گریه یعنی  
 قبول پست مالک را گویند ای مالک دعا کن که حق تعالی ما را بمیراند مالک بعد از ارسال جواب  
 که شما همیشه در عذاب باشید آنگاه از حق تعالی دعا کنند ای پروردگار ما بختی ما غالب شد و ما قوی  
 گمراه بودیم ما را از دوزخ بر آرا اگر با کفر کنیم ظالم باشیم حق تعالی جواب دهد اخسفا فیها و لا تکلمون  
 یعنی دور شوید و دوزخ و سخن نگویید آنگاه در زفر و حسرت باشند و روایتی آمده که این جواب  
 بعد مدت عمر دنیا شنوند و در روایتی آمده اهل دوزخ را بهنج دعا باشد اول گویند ای پروردگار مرده  
 کردی ما را و بار زنده کردی ما را و بار اقرار کردیم به گنامان خود آیا ما را باشد ای بسوی بر آمدن از  
 دوزخ جواب دهد حق تعالی این عذاب از ان است که چون مردم توحید می کردند شما اعتقاد بشکر  
 می داشتید و شکر می کردید پس حکم خدا راست نه دیگری را باز ندا کنند آئی ما دیدیم و شنیدیم  
 ما را باز دنیا بفرست تا عمل کنیم نیکو جواب یابند بچشید این عذاب را شما فراموش کرده بودید این فر  
 را ما شما را فراموش کردیم بچشید عذاب را همیشه بسبب اعمال خود باز گویند ای پروردگار بصورت  
 و ما را از زمانی قریب یعنی آنکه در دنیا قبول کنیم دعوت ترا و پیروی کنیم رسولان را جواب دهد  
 خود آیا نمیدیدید شما که قسم میخوردید که شما از و ال نباشد باز گویند ای پروردگار ما را از دوزخ  
 بر آمل نیک کنیم غیر آنچه عمل میکردیم حق تعالی فرماید آیا عمر نداده بودیم شما را در دنیا آن قدر نیکان  
 در آن عمر نپدید یافتند و آمدن نزد شما رسولان ترساننده از عذاب خدا پس بچشید عذاب  
 ظالمان را کسی مددگار نیست باز گویند آئی پروردگار ما را بختی غالب شد و بودیم گمراه ای  
 پروردگار ما را بر آرا پس اگر با کفر کنیم ظالم باشیم آنگاه جواب داده شوند اخسفا فیها و لا تکلمون  
 یا زینب سخن گویند رسول فرمود علی الله علیه و آله و سلم که در دوزخ ما را باشد مانند گردنهای خنجر

لله کلون الالهی که بدان آیتین که در کتب است

لله کلون الالهی که بدان آیتین که در کتب است

تا ابد باشد و در روایتی آمده که صعد سنگیست که اگر بروی دست رسد گداز شود و چون دست  
بردارد باز دست درست بشود همچنان و فرمود صلی الله علیه و آله و سلم که اگر سنگی بوزن دو درم  
از لب جهنم انداخته شود تا هفت و سال بپایین او نرسد و در نهایت آن غنیست و انا هم و آن  
بزدل اندازد ریم و در خیانت موبق وادی عمیقست روز قیامت فاصل باشد در میان مسکین  
و کفار از اهل دوزخ و صحیحینست که دوزخ شکایت کرده بسوی پروردگار خود و گفت که از شدت  
حر بعضی از برای من بعضی را خورده حکم شده در آید و دم می بسر می که از سردی او در دنیا سرا  
می شود و دمی بگریه که اگر می او در دنیا گرامی شود حاصل کافران را پاره آتش باشد  
و نیز چه سینه از مس گداخته شده شدید الحرارة و هب بن سینه میگویی اهل دوزخ را پوشاک  
باشد و بر شکی برای شان بهتر است از پوشاک و حیات باشد و موت چرا شان بهتر باشد  
از حیات و برای دوزخیان فرش باشد و لهما فها از آتش دوزخیان در زنجیر باشند که بنقاد  
طول آن زنجیر باشد هرگز از آن بنقاد باغ هر باغ مقدار مابین که و کوفه اگر تمام آهن و نیاج کرده  
شود و یکسایه علقه زنجیر دوزخیان نرسد آن زنجیر را از دبر آنها داخل کرده و از دهن برآورده بروی  
پسیده شود و حمیم بالای سر کافر ریخته شود پس بر سار شکم فرو ریزد آنچه در شکم باشد در پیش  
باز همچنان درست شود و باز حمیم ریخته شود طعام دوزخیان زقوم باشد اگر قطره از آن فرو بران افتد  
زندگانی اهل دنیا فاسد کند زقوم درختی باشد از شدت گر سنگی آدمی از وی بدندان گیر و آن درخت  
از آدمی همان قدر گیرنده گیرد و نیز طعام دوزخی ضریح باشد رسول فرمود صلی الله علیه و آله و سلم  
ضریح خیر نیست در دوزخ مشابیه خاتم ترا از صبر و بد بو تر از جیفه و گرم تر از آتش و قشکله خورد  
صاحب او نه در شکم فرو رود و نه از دهن بر آید گلو گیر باشد نه فری کند و نه گرسنگی دور سازد  
و نیز طعام دوزخیان غسلین باشد یعنی ریم و دوزخیان و شراب شان حمیم باشد یعنی آب در غایت  
گرمی و غساق یعنی آب سرد و نودی در غایت سردی و در حدیث آمده که اگر یک دلو غساق و دنیا  
تمام دنیا بدو شود و ادکوب مرویست که غساق چشمه ایست در دوزخ که در آن زهرهای تمام  
جانوران هر دار باشد ایشان را در آن غوطه داده شود گوشت و پوست از استخوان جدا شود  
و ربای افتد آنرا مثل پایچه بکشد ترفی از ابی الدردار روایت کرده که رسول فرمود صلی الله علیه و آله

بلغ مقدار کشتادگی هر دوزخست ۱۲



که در قرآن مذکور شده نهاده شود بر کوههای دنیا هر آنکه فرو رود تا زمین سفلی بر گاه حق تعالی  
 دوزخ را پیدا کرده و لهای ملائکه از دشت آن پدیدند چون آدم علیه السلام مخلوق شد و لهای شان  
 قرار گرفت در صحیحین است که آن حضرت فرمود که هر چند در دوزخ خلق انداخته شود دوزخ بهل منیع  
 گوید تا که رب العزت در آن قدم نهد آن زمان بعضی از آن بسوی بعضی میچسبند و گوید پس پس  
 دوزخ در زمین سفلیست یعنی زیر زمین و بهشت بالای آسمان بنفتم از و سبب بن نبیه  
 موی است که چون قیامت قائم شود خلق که پوشش سقر است از سقر دور شود و ازان آشی بر آید  
 و در یاکه بر جهم مطبق است و حاجز است میان جهم و بهشت طبق زمین در شیم زدن افروخته کنند  
 همان است بحر مسجور و فصل جهم و بهشت در که است و بهشت درستی یکی بالای دیگری و بر  
 بر در جاعتی است قسمت کرده شده اول شان جهم است و در آن عذاب کمتر است برای نگه داران  
 این است پست تر از آن نطفی ازان پست سقر ازان پست حکم دیر آن سقر بر آن جیم پست تر  
 تا ویه منافقان در در که اسفل باشند از دوزخ مسلمانان را باید که همیشه از دوزخ بحق سبحانه پناه  
 جویند از مجاهد و نیست که بنده را امر کرده شود که در دوزخ اندازند و دوزخ با هم چسبیده گفته شود که  
 چه حال است و دوزخ گوید که این مرد از من بپناه میجست حکم شود که این را بگذارند بی قی رایت  
 کرده که رسول صلی الله علیه و آله و سلم نمی خفت تا که تبارک و تعالی بخواند و فرمود که هم با بهشت اند  
 و در برای جهم هم بهشت اند هم سجده ازان روز قیامت بر در برای جهم با یستد و گوید که  
 آتی داخل نشود ازین در سیکه با من ایمان داشت و مرا بخواند **فصل** موکلان جهم نوزده و  
 مالک رئیس آنهاست هزار سال پیش از خلقت جهم مخلوق شده اند و هر روز قوت شان  
 زیاده میشود هر یک ازان آن قدر هست که در میان دو شانه او صد ساله راه است و در ملک  
 شان رحمت مخلوق نشده و با هر یک ازان گزشت و مالک را انگشتان است بعد و همه دوزخیان  
 کسی در دوزخ نیست که مالک او را از یک انگشت خود عذاب نمیکند و قرطبی گفته نوزده  
 سردارند و موکلان جهم بشمار اند و قیل و ادیست در جهم عمیق که کافر در وی تا چهل سال  
 فرو میرود پیش ازان که در قعر او رسد و در روایتی است که در وی ریم دوزخیان جاریست  
 و صعود کو بهیست در جهم در بنفست سال جهمی با علای آن رسد و باز از آنجا فرو افتد همچنین

لهای آشی بر آید

را اگر تا که ترا جواد گویند و گفته شدی حکم شود بد و نفع انداخته شود در هر عمل نیست خالصه  
 شرط قبول است رسول فرمود صلی الله علیه و آله وسلم انما الاعمال بالنیات عمل مقبر نیست  
 مکره نیست **فصل** الايمان بين الخوف والرجاء ابو نعیم از علی رضی الله عنه روایت کرده که رسول فرمود  
 صلی الله علیه و آله وسلم که یکی را از انبیای بنی اسرائیل می شنید که طاعت کنندگان را بگوید که بر عمل خود  
 نگفتم اگر بنده را حساب کنم و نجاتم که او را عذاب کنم البته او را عذاب کنم یعنی در حساب کسی نمیتوان  
 برآمد و بگویند بکاران را که از رحمت خدا نا امید نشوند که من گناهان کبیره را می بخشم و پاک ندام  
 و طرازی از او اندک بن استغفر روایت کرده که آن حضرت فرمود صلی الله علیه و آله وسلم که در دنیا  
 بنده باشد که هیچ گناه نکرده است حق تعالی از او گوید چه نیوایی اگر خواهی بحساب اعمال ترا جزا دهم و اگر خواهی  
 بنفصل خود او گوید آری تو داناتری من گناهانی نکرده ام آن گاه حکم شود که نعمتی را از نعمت های من  
 متقابل عمل و کین را دلی نعمت از نعمتهای خدا همه اعمال او را فرگیرد و آنگاه آن بنده گوید ای فضل  
 و رحمت خود مرا بخش و بناد از انس رضی الله عنه روایت کرده که آن حضرت صلی الله علیه و آله وسلم  
 فرمود و فاتر سه اندکی از فقر حسنت و قوم و فقر سیئات سوم و فقر نعمتها خدا اگر خدا حکم کند دلی  
 نعمت به نیکیها را در گیرد و گناهان باقی مانند اگر فضل فرماید گناهان را و نعمتها را بچشم حسنت را مطلق

ایمان در میان ایمان و استغفار است

## باب سوم در صفت جهنم و عذاب کفار و عوذ بالله منها

طرازی از عمر بن خطاب رضی الله عنه روایت کرده که جبریل نزد آن حضرت صلی الله علیه و آله وسلم  
 آمده متغیر اللون آن حضرت پرسید که چه حالت گفت نیامده ام نزد تو مگر بعد آنکه حکم فرمود  
 حق تعالی بکلیه های جهنمی جهنم را دیده آمده ام فرمود وصف کن بر من آتش را گفت حق تعالی  
 امر کرد تا آتش هزار سال افروختند تا که سفید شد پس هزار سال دیگر افروختند تا که سیاه شد  
 هزار سال دیگر افروختند تا که سیاه شد پس آن سیاه و تاریک است روشن نیست شر آن کم  
 نمیشود و سوزش آن قسم کسی که ترا فرستاده است بحق که اگر سوختنی شود و نفع تو را رسوزن  
 اهل زمین بهر پیر اندازد گرمی آن و اگر فرشتگان عذاب که در جهنم ظاهر شود کسی از آنها بسوزد و یا  
 و اهل زمین او را ببینند بهر پیر اندازد زشتی روی او و بدبوی او و اگر یک حلقه از زنجیر و در خیانت



که در قرآن مذکور شده نهاده شود بر کوههای دنیا هر آنکه فرود و تا زمین سفلی برگاه حق تعالی  
 و درخ را پیدا کرده و لهای ملائکه از دشت آن پدیدند چون آدم علیه السلام مخلوق شد و لهای شان  
 قرار گرفت در صحیحین است که آن حضرت فرمود که هر چند در دوزخ خلق انداخته شود و دوزخ بل منیر  
 گوید تا که رب العزت در آن قدم بنهد آن زمان بعضی اذان بسوی بعضی چید و گوید پس پس  
 و دوزخ و زمین سفلیست یعنی زیر زمین و بهشت بالای آسمان بنفتم از و سبب بن فبسه  
 موی است که چون قیامت قائم شود خلق که پوشش سقرست از سقر دور شود و اذان آتشی بر آید  
 و در یکه چنم مطبق است و عاجزست میان جهنم و بهشت طبق زمین و چشم زدن افرخته کنند  
 همان است بحر مسجور **فصل** جهنم را بهشت در که است و بهشت در یکی بالای دیگری و بر  
 بر در جماعتی است قسمت کرده شده اول شان جهنم است در آن عذاب کمتر است برای گنهاران  
 این است پست تر اذان نطی اذان پست سقر اذان پست حله دیر آن سقر بر آن جمیع پست تر  
 تاویه منافقان و در که اسفل باشند از دوزخ مسلمانان را باید که همیشه از دوزخ بحق سبحانه پناه  
 جویند از مجاهد و نیست که بنده را امر کرده شود که در دوزخ اندازند و دوزخ با هم چید گفته شود که  
 چه حال است دوزخ گوید که این مرد از من تو پناه میجویت حکم شود که این را بگذارند بیقی روت  
 کرده که رسول صلی الله علیه و آله و سلم نمی خفت تا که تبارک و تم سجده نمی خواند و فرمود که تم با هفت اند  
 و در می جهنم هم بهشت اند تم سجده اذان روز قیامت بر در می از در می جهنم بایستد و گوید که  
 آتی داخل نشو ازین در سیکه با من ایمان داشت و مرا بخواند **فصل** موکلان جهنم نوزده فر  
 مالک رئیس آنهاست هزار سال پیش از خلقت جهنم مخلوق شده اند و هر روز قوت شان  
 زیاده میشود و هر یک اذان آن قدر هست که در میان دو شان او صد ساله راه است در ملک  
 شان رحمت مخلوق نشده و با هر یک اذان گزشت و مالک را انگشتان است بعد و همه دوزخیان  
 کسی در دوزخ نیست که مالک او را از یک انگشت خود عذاب نمیکند و قرطبی گفته نوزده  
 سر دارند و موکلان جهنم بشمار اند و قیل و ادیسیت در جهنم عمیق که کافر در می تا چهل سال  
 فرو می رود پیش اذان که در قعر او رسد و در روایتی است که در می ریم دوزخیان جاز است  
 و صعود کو بهیست در جهنم در بنهاد سال جهنمی با علای آن رسد و باز از آنجا فرو افتد همچنین



ایمان در میان مردم است

را اگر تا که ترا جواد گویند و گفته شدی حکم شود بد و زنج انداخته شود و در هر عمل نیست خالصه  
شرط قبول است رسول فرمود صلی الله علیه و آله وسلم انما الاعمال بالنیات عمل معتبر نیست  
مگر به نیت **فصل** ایمان بین الخوف والرجاء را بنوعی از علی رضی الله عنه روایت کرده که رسول فرمود  
صلی الله علیه و آله وسلم که یکی را از انبیای بنی اسرائیل و می شد که طاعت کنندگان مرا بگو که بر عمل خود  
نگفتم اگر بنده را حساب کنم و عذاب کنم او را عذاب کنم البتة او را عذاب کنم نمی و حساب کسی غایتوان  
بر آمد و بگو گناهیگار آن را که از محبت خدا نا امید نشود که من گنا مان کبیره را می بخشم و پاک ندام  
و طبری از وائل بن اسقع روایت کرده که آن حضرت فرمود صلی الله علیه و آله وسلم که در دنیا  
بنده باشد که هیچ گناه نکرده است حق تعالی از او گوید چه نیوایی اگر خواهی بحساب اعمال ترا جزا دهم و اگر خواهی  
بنفضل خود او گوید الهی تو دانا تری من گناهای نکرده ام آن گاه حکم شود که نعمتی را از نعمت های من  
تقابل عمل و کین را دانی نعمت از نعمت های خدا بهره اعمال او را فرایند آنگاه آن بنده گوید الهی بفضل  
و رحمت خود مرا بخش و بجزا از انش رضی الله عنه روایت کرده که آن حضرت صلی الله علیه و آله وسلم  
فرمود و فاتر سه اندیکمی ذکر حسنات و قوم و فقر سیئات سوم و فقر نعمتها خدا اگر خدا حکم کند الهی  
نعمت به نیکیها را در گیر و گنا مان باقی مانند اگر فضل فراید گنا مان را و نعمتها را بخرید و حسنات را مطلق گفت

## باب سوم در صفت جهنم و عذاب کفار غوغو بالسه منها

طبرانی از عمر بن خطاب رضی الله عنه روایت کرده که جبریل نزد آن حضرت صلی الله علیه و آله وسلم  
آمده متغیر اللون آن حضرت پرسید که چه حالت گفت نیامده ام نزد تو مگر بعد آنکه حکم فرمود  
حق تعالی بکلیه های جهنم یعنی جهنم را دیده آمده ام فرمود و صف کن بر آن آتش را گفت حق تعالی  
اگر دو تا آتش هزار سال افروختند تا که سفید شد سیست هزار سال دیگر افروختند تا که سیخ شد سیست  
هزار سال دیگر افروختند تا که سیاه شد پس آن سیاه و تاریک است روشن نیست شر آن کم  
نمیشود و سوزش آن قسم یکسی که ترا فرستاده است بحق که اگر سواخی شود از دوزخ قهر سوزن  
اهل زمین هم پیرند از گرمی آن و اگر فرشتگان عذاب که در جهنم اند ظاهر شود کسی از آنها بسو دنیا  
و اهل زمین او را پندند بهیسه نند از زشتی روی او و بد بوی او و اگر یک حلقه از نخیر و دوزخیان



ترا باشد و ده چند زیاده از آن **فصل** رسول فرمود صلی الله علیه و آله وسلم که حجت راسخ است  
 حصه کرده یک حصه و بر جمیع خلائق تقسیم کرده و نود و نه حصه نزد خود داشته که روز قیامت و در میان  
 خود را خواهد کرد و فرمود که قسم بخدا آنقدر رحمت خواهم کرد که بلیس امیدوار شود و بیشتر حجت او  
 تنائی قاریان قرآن و علماء را باشد حق تعالی میفرماید ثم اوتینا الکتاب الذین هم طغیان من عبادنا  
 فمنهم ظالم لنفسه ومنهم مقتصد ومنهم سابق بالخيرات باذن الله ذلک هو الفضل الکبیر جنات  
 عدن یدخلونها الا یلبسوا یعنی بعد از اینها سابق وارث کتاب که دریم کسانی را که برگزیدیم از نیکان خود  
 پس بعضی از آنها ظالم باشند بر نفس خود به گناهان و بعضی از آنها میانه رو باشند و بعضی آنها  
 سبقت کنند باشند به نیکبایان خدا همین است فضل بزرگ بهشت نای همیشگی را داخل  
 شوند که نمره را در آن جاری باشند رسول فرمود صلی الله علیه و آله وسلم سالکان در نخل بهشت  
 شوند بغیر حساب و میانه روان را حساب پسیر شود و ظالمان در طول محشر محبوس باشند بیشتر  
 رحمت خدا آنها را تنائی کند بگویند الحمد لله الذی اذهب عنا الحزن ان ربنا لغفور شکور فرمود  
 که حق تعالی علماء را فرماید که من علم خود در شما نداده بودم مگر آنکه اراده مغفرت میداشتم بر شما  
 بر هر چه از شما آید و پاک ندارم شما نیکو ترین مسلمانان نزد خداست فریق اند شد که حاجت را  
 را در راه خدا بذل کردند و دوم علماء که عقل و حواس خود را در راه خدا بذل کردند سوم اسخیا که مال  
 خود را در راه خدا بذل کردند لیکن اخلاص شریط است که نیت خالصانه بیا شد و گریه و غم بدو رخ  
 روند مسلم از ابی هریره روایت کرد که رسول فرمود صلی الله علیه و آله وسلم اول کسی که حکم کند بر وی  
 حق تعالی شکستید باشد حق تعالی گوید که چندین نعمت بودادم تو چه عمل کردی گوید که در راه تو شکستید  
 شدم فرماید که دروغ گفتی قتال کردی چرا آنکه مردم ترا جبری و شجاع گویند پس گفته شدی حکم شود  
 که او را شکستید بدو رخ اندازند و دوم عالم که حق تعالی نعمتها باو داده پرسد که چه عمل کردی گوید که  
 برای تو علم آموختم مردم را تعلیم کردم و قرآن خواندم و خوانانیدم حق تعالی فرماید که دروغ گفتی بلکه  
 تعلیم و تعلیم کردی تا که ترا مردم عالم و قاری گویند پس گفته شدی حکم شود بدو رخ انداخته شود و سوم  
 مردی که اول حق تعالی مال داده و او هر صنف مال بر مردم بخشیده چون نعمتها باو داده از او پرسد  
 که چه عمل کردی گوید که در راه تو مال هر صنف خرج کردم حق تعالی فرماید که دروغ گفتی نمیدادی مردم

لقد ذکره فی  
 در آن ماری  
 باشد از نظر  
 مضمون  
 توصیف نیست  
 افزوده اند  
 دارد و نیست  
 و نظرات با  
 میگویند  
 اسرار و کتب  
 و طوایف  
 فیما بین  
 و در میان  
 خدا که در آن  
 از او را بشکست  
 پروردگار  
 بر او شکست  
 و در شکست



دیگران چه حاجت باشد گفته شود که شفاعت دیگران از علما و صلحا و غیرهم باطل است از حضرت  
 که در وقت متابعت آنحضرت مرتبه شفاعت یافتند حق تعالی براس آنها شفاعت  
 آنها آنها را مرتبه شفاعت داده در صحیحین در حدیثی طویل از ابی سعید خدری است  
 که رسول صلی الله علیه و آله وسلم فرموده چون مومن از آتش ربانی یابند و از هر طریقی  
 بگریزند در جناب الهی برای برادران خود که در دوزخ باشند آواز شفاعت بمسأله  
 برآیند و گویند ای پروردگار اینها با ما نماز و روزنه و حج میکردند حکم شود که برآید هر کس را  
 بشناسید حق تعالی آتش بر صورتها مسلمانیان حرام کند صورتهای شان بحال  
 باشد پس برآیند خلقی کشید را و گویند یارب حالا از آنها کسی نمانده که امر کردی تو حکم شود  
 که باز برآید و هر که در دل او بقدر دینار ایمان باشد و برآید پس برون آرند خلقی کثیر را باز  
 حکم شود که برآید و برآید کسی را که در دل او مثل مورچه ایمان باشد پس برآیند خلقی کثیر را از و گویند  
 یارب حالا نگذاشتیم در دوزخ هیچ چیز پس حق تعالی به فرماید که امر است بجان شفاعت  
 کردند اینها شفاعت کردند مسلمانیان شفاعت کردند و باقی نماند مگر ارحم الراحمین قبضه قبضه  
 من النار یعنی حق تعالی یک قبضه از دوزخ بگبید و پس برآرد قومی را که گاهی پیچ عملی حیک  
 نکرده است مثل انگشت شده است پس بیندازد حق تعالی آنها را در غری بر روی بهشت  
 آنرا نه حیات گویند پس برآیند چنانچه دانه می روید و سیل پس برآیند مثل دانه می روید و گویند  
 شان مهر را باشند اهل بهشت گویند که اینها آزاد کرده خداوند و باقی ماند یکدم میان دوزخ و  
 بهشت روی او بسوی دوزخ باشد سوال کند از خدا که روی من از دوزخ بگردان حق تعالی  
 فرماید که چیزی دیگر سوال نکنی او عهد کند که نکند حق تعالی روی او بسوی بهشت کند و نانی  
 جنت بیند متنی خاموش ماند باز گوید که مرا نزد یک دروازه بهشت کن حق تعالی فرماید که عهد  
 کرده بودی که دیگر سوال نکنم باز او عهد گیرد که دیگر سوال نکنم و بر دروازه بهشت برو متنی  
 آنجا خاموش باشد باز سوال کند و دخول بهشت را حق تعالی فرماید که تو عهد کرده بودی  
 که سوال نکنم او گوید الهی مرا بخت زمین خلق کن و دعا کرده باشد تا که حق تعالی بپسندد و او را  
 به بهشت برده و بفرماید که آرزو کن او آرزو کند که منقطع شود از روی او حکم شود که آنچه آرزو کردی

و فرمود پس از هر کس عاقل بهشت شود ۱۱۱



و شفاعت قبول کرده شد من باشم و فرمود اول شفاعت انبیا باشد پسر شفاعت صدیقان  
 پسر شفاعت شهدا و بر و ایتیه اول شفاعت انبیا پسر شفاعت شهدا پسر شفاعت موفران  
 و فرمود عالم و عابد حاضر شوند عابد را گفته شود که داخل بهشت شود عالم را گفته شود که بالیت  
 شفاعت کنی از ابن عمر مر و لیست که گفته شود عالم را که شفاعت کن در شاگردان خود اگر چه عدد  
 عدد ستارگان باشند و فرمود رسول صلی الله علیه و آله و سلم که شهادت شفاعت کند و یقینا کس از  
 ابلیت خود و فرمود که حاجی که در چهار صد کس از اهل بیت خود شفاعت کند و فرمود که مردی شفاعت  
 کند برای یک مرد و مردی برای دو کس و سه کس روز قیامت و مردی باشد که به شفاعت او زیاده  
 از بی تخم و مثل ربیع و مفر داخل بهشت شوند و فرمود که مردی از اهل بیت مشرف شود بر دنیا  
 مردی از اهل دوزخ گوید ای فلان تو مرا پیشناسی گویدی که من آنکس هستم که تو از من آب  
 خواستی من ترا آب خورانیدم و شفاعت کن آن مرد از خدا سوال کند او از آتش بر آید مردی دیگر  
 گوید من ترا آب و نه داده بودم مردی دوزخی مردی بهشتی را گوید یا داری که تو مرا برای کار  
 فرستادی من رفتم و کار تو کردم و شفاعت کند و رسول فرموده صلی الله علیه و آله و سلم تفسیر  
 قوله تعالی فی قوله هم و نیزه دیدیم من نفس که مراد از نیزه دیدیم من فضله شفاعت است برای  
 دوزخیان کسانیکه با ایشان در دنیا نیکی کرده بودند و فرمود که حافظ قرآن را که حلال را حلال اند  
 و حرام را حرام داخل جنت کرده شود و شفاعت کند و در ده کس که آتش برای شان واجب  
 باشد و فرمود طفلان مسلمین بر عرش شفاعت کنند و شفاعت شان قبول شود و در  
 حدیثی آمده هر که استیجیده باشد بر دروازه بهشت استاده باشند آنها را گفته شود که در  
 بهشت بروید گویند چگونه رویم پدر و مادر ما داخل نشده اند در مرتبه دوم یا سوم گفته شود بروید  
 شما و پدر و مادر شما و فرمود که روزه و قرآن شفاعت کنند روزه گوید که من این از شهوت خود و  
 بر این از شهوت خودم شفاعت من قبول کن و قرآن گوید که من این را از خفتن باز داشته بودم و حج را سودا  
 روز قیامت لب و زبان باشد شهادت دهد برای کسی که بوسه داده بروی رسول فرمود صلی الله  
 علیه و آله و سلم لعنت گویندگان روز قیامت شاید و شفیع نباشند اگر کسی گوید که چون  
 از شفاعت رسول صلی الله علیه و آله و سلم امت او از آتش بیرون شدند و شفاعت

لا یجوز لامر بامر الا بشان و لا یجوز ان یشتان و لا یجوز ان یشتان الا بامر



من و بر وایتی و شملت است من بجز حساب و عذاب داخل هشت شوند و در میان شفاعت  
براست خود شفاعت اختیار کردم و آن برای هر مسلمان باشد درین باب احادیث  
بسیارند و فرمود صلی الله علیه و آله و سلم که شفاعت من باشد بر کسی که گناه کبیره  
کرده باشد و فرمود آنحضرت صلی الله علیه و آله و سلم خوب مردم من برای بیان آنست  
خود مردم گفتند چگونه یا رسول الله فرمود بدان شفاعت من در هشت روند و بیست و یک  
با عمل خود روند و فرمود که شفاعت کرده باشم کرده باشم تا آنکه گویم که ای پروردگار شفاعت من  
قبول کن در حق هر کس که لا اله الا الله گفته حق تعالی فرماید قسم بغزت من و جلال من که  
نیکی کن در و ترخ نگذارم که لا اله الا الله گفته باشد و فرمود علیه السلام که هر که اذان شنید بگوید  
اللهم رب هذه الدعوة التامة تا آخر او را شفاعت من باشد و فرموده هر که ثابت باشد بر حق  
دین و اتجاها باشد بر او شهادت و شفیع باشم و فرمود هر که در دین یا مکه بمیرد او را شفاعت کنم  
و فرموده هر که برای زیارت من آید واجب باشد بر من شفاعت او و در روایتی آمده که  
که زیارت قبر من کند واجب باشد بر من شفاعت او و فرموده بسیار در و بفرستید بر من  
بروز جمعه و شب جمعه هر که چنین کند او را شهادت باشم و شفیع و فرموده هر که ده بار صبح و ده بار شام  
بر من در و فرستد او را شفاعت من رسد و فرموده بهترین کسان بر شفاعت من  
روز قیامت کسی باشد که در و بر من بسیار فرستاده باشد و فرموده که هر که بعد نماز این دعا  
خواند اللهم اعط محمد الوسيلة واجعله فی المصطفین محبة و فی العالمین درجة و فی المقربین دارة  
واجب شود او را شفاعت محمد صلی الله علیه و آله و سلم و فرمود که دو ضعف باشد که آنها را  
شفاعت من نرسد روز قیامت یکی مرجیه دوم قدریه مرجیه آن باشند که یقین کنند مغفرت و  
بگویند که مسلمان یا پیغمبر گناه هر گز نکن چنانچه کافر یا پیغمبر حسمه فائده نکند و قدریه منکر شفاعت اند  
بگویند که صاحب کبیره بدون توبه مخلف فی النار باشند و فرموده که دو مرد را شفاعت من رسد  
یکی پادشاه ظالم دوم آنکه در دین ادشعی تجاوز کند و بر آید یعنی اهل ابواب مثل روافض و  
خواج و مانند آنها و فرموده که جدال بگذارید جدال کننده را شفاعت من نرسد یعنی آنچه خدا و  
رسول بفرماید آنرا قبول باید کرد و در آن جدال نباید کرد و فرمود اول شفاعت کنند







چشم زدن بر صراط دیگر نکند و از وهاب بن منبه روایت است که داود علیه السلام از حق تعالی پرسید  
 که جلد روز تیر بر صراط که باشد فرمود کسی که از حکم من راضی باشد و زبان نشان بگذارد باشد  
 و ابن مبارک و ابن ابی الدنیا از سعید بن ابی نانی روایت کرده که صراط روز قیامت بر بعضی  
 مردم باریک تر از مو باشد و بر بعضی مثل وادی پهن تر حتی تعالی می فرماید و ان منکم  
 الا واد ما کان علی ربک حتما مقضیاً ثم ننجی الذین اتقوا و نذر الظالمین فیما جشوا  
 یعنی نباشد از شما کسی مگر وارد شود و دوزخ را هست این امر بر پروردگار قول از حکم کرده شده  
 پس نجات میسر می شود و بگذاریم ظالمان را در آن برزخ و افتاده مراد از ورود و جهنم همین  
 گذشتن است بر صراط که بر پشت دوزخ باشد بعضی مردم چون داخل بهشت شوند بگویند  
 ای پروردگار وعده کرده بودی بورد و دوزخ ما و دوزخ را ندیدیم حکم شود که چون شما از دوزخ  
 گذشتید و دوزخ سرد شده و طبری از یعلی بن امیه روایت کرده که آنحضرت صلی الله علیه و آله و سلم  
 فرمود که دوزخ روز قیامت مسلمان را گوید که زود بگذرای مومن که نور تو آتش مرا سوزانده  
 و حدیث آمده که هر کس از اولاد او پیش از بلوغ مرده باشند وارد دوزخ نشود  
 مگر رهگذر و در حدیثی آمده که هر که نگهبانی مسلمانان کند از کفار برای خدا در دوزخ وارد نشود  
 مگر تحله قسم صحیح بخاری از ابی سعید خدری روایت است که رسول فرمود صلی الله علیه و آله  
 و سلم که چون مومنان از آتش نجات یابند حبس کرده شوند و پلیکه میان دوزخ و بهشت باشد  
 پس قصاص گرفته شود بعضی را از بعضی در مظالم چون از آن پاک شوند داخل بهشت شوند  
 پس قسم کسی که جان محمد در دست اوست که هر یک از شما خانه خود را در بهشت راه یابید  
 خانه خود در نیامی شناسد علماء و تفسیر این حدیث اختلاف کرده اند بعضی میگویند که این  
 بل دیگر باشد بعد صراط و بعضی میگویند که بر کنار همان صراط برای قصاص با هم استاده کرده  
 شوند و ظاهراً آنست که این قصاص سوای آن قصاص باشد که پیش از صراط شده آن قصاص  
 بدخول دوزخ باشد و این قصاص حبس باشد از دخول جنت تا وقتی که معذب شود و فصل  
 جماعتی از مسلمانان چون از آتش دوزخ بسبب اعمال صالحه نجات یابند و بسبب بعضی معاصی  
 دخول جنت نتوانند کرد و در قلعه که میان بهشت و دوزخ باشد محبوس باشند آن قلعه را اعراف گویند

و در حدیثی آمده که هر که نگهبانی مسلمانان کند از کفار برای خدا در دوزخ وارد نشود



انگاه مومنان را دیواری مثل دیوار قلعه پیش آید و آن دیوار در باشد و مومنان ازان در گذرند  
و منافقان بیرون در باشند اندرون آن دیوار رحمت باشد نسیم بهشت و بیرون آن عذاب  
در دوزخ منافقان مومنان را آواز دهند آیا با شما بودیم بر دلت اسلام مومنان گویند آری  
شما با ما بودید لیکن شما نفس خود را در رفتن یعنی کفر و معصیت انداختید که عقاب فاسده اعمال  
جنبه اختیار نمودید ظاهر آیات و احادیث که دلالت دارند بر نبودن نور منافقان را مراد از  
منافقان آن کسانی که در باطن کفر دارند و بنا بر تقیته و استتار کلمه شهادت می گویند آنها  
را نور نباشد که اصل نور ایمان است و ایمان به قلب تعلق دارد و در احادیث که وارد شده که  
منافقان را نور منطفی شود مراد از اصحاب توحید از فرقه های مبتدعه باشد و از انقضای خارج  
و معتزله و مانند شان که نور ایمان آنها از دود بدعت منطفی شود فائده رسول فرمود  
صلی الله علیه و سلم نماز نور باشد بر صراط و کسی که در تارک میباید بمساجد رود و نور تمام باشد روز  
قیامت و فرموده هر که سوره که گفت خواند روز جمعه او را از زیر قدم تا آسمان نور باشد و قیامت  
و فرموده مردی صالح اگر در دنیا کوشش و ادوار نور باشد روز قیامت و فرموده هر که تیر انداخت در  
خدا و نور باشد روز قیامت و فرموده اگر گرسنه در بازار از هر روز نور باشد روز قیامت  
و فرموده هر که سختی از مسلمانان دور کند او را مشعله باشد از نور بر صراط که ازان روشنی پذیرد و ملایم  
احاطه کند آنها را کرب العزت و فرموده که پیر بکنید از ظلم بدستی که ظلم نایک باشد روز قیامت  
**فصل** چون محشر را دوزخ محیط باشد برای رفتن بسوی جنت بر پشت دوزخ چلی  
باشد که آن را صراط گویند یا یک ترازو و تیز تر از شمشیر و بر آن پل کلبه ها و خار باشد کافران  
و منافقان در دوزخ افتند و بر صراط عبور نتوانند کرد و مومنان ازان بگذرند بقدر اعمال خود  
بعضی مثل برق و بعضی مثل باوند و بعضی مثل اسپ تیز رو و بعضی مثل شتر تیز رو و بعضی مثل  
پیاده جلد رو و بعضی مثل پیاده سست قدم و بعضی بخوابی و وقت مجروح شده رنج کشیده  
تجات یابند و بعضی سبب گناهان خود در دوزخ افتند و در حدیث آمده که هر که واسطه شود بسوی  
پادشاه برای حاجت بر آری مسلمانان حق تعالی او را در گذشتن بر صراط و مژغاید و هر که بخوبی صدق  
و بد بخوبی از صراط بگذرد و در حدیث آمده که هر که مردم را سنت پیغمبر صلی الله علیه و سلم آموزد یک

عقوبت و نیکوکاری با آن که در کتب مذکور است



باشد پس زیاده طلب کردم از خدا پس زیاده کو حق تعالی بایر کس از ان بهشت و نهار کس نهار کس  
 در حدیثی آمده کسانیکه حمد خدا کنند در راحت و رنج داخل بهشت شوند بغیر حساب و در حدیثی آمده  
 که شهدای فی سبیل الله داخل بهشت شوند بغیر حساب و در حدیثی آمده که شب خیران و در حدیثی  
 اهل فضل و اهل صبر و متحابون فی الله داخل شوند بغیر حساب اهل فضل کسانند که کسی بر آنها ظلم  
 کند صبر کنند و کسی با ایشان بدی کند ایشان بخشنایند و کسی با ایشان جمل کند ایشان  
 تحمل نمایند و اهل صبر آنها هستند که بر طاعت خدا و از معصیت صبر کنند و متحابون فی الله آنها  
 که برای خدا با همه دوستی کنند و بی علاقه دنیا و مآلات نمایند و در احادیث آمده هر که در رنج  
 و مصیبت صبر کند و هر که در حج عمره بمیرد و اهل عرفان و احسان و طالبان علم و زینکه فرمان بردار  
 زوج باشد و ولد نیکی کننده با والدین کسی که از فقر جامه مکر ندارد و طعام دو قسم نتواند خورد  
 و ثواب و قسم ندارد و کسی که بدینا رغبت ندارد و کسی که از خوف خدا بگیرد بغیر حساب داخل  
 بهشت شوند و اصحابی از انس روایت کرده که رسول فرمود صلی الله علیه و سلم چون میانها  
 قائم شوند اهل نماز و اهل روزه و اهل حج را ثواب داده شود بمنزله اهل بلا آورده شوند بمنزله  
 برای شان نهاده شود و نه فقر اعمال برای آنها گشاده شود و ریخته شود بر آنها ثواب بغیر حساب  
 تا آنکه اهل عافیت تمنا کنند آنکه بدینهای شان در دنیا بمقرضه بریده می شد حق تعالی میفرماید  
 انما یوفی الصابرون اجرهم بغیر حساب یعنی جز این نیست که داده خواهد شد صابرا  
 ثوابهای شان بغیر حساب پست چون کافران را حکم بدوزخ و مومنان را حکم بر رفتن  
 بسوی بهشت شود مومنان را حق تعالی موافق اعمال شان نور و بد بعضی کسان را نور باشد  
 مانند کوه و بعضی را مثل درخت خرم و کمترین نور کسی را باشد که نور او در زنگشت پای او باشد  
 گاهی ظاهر شود و گاهی پوشیده و کافران و منافقان را نور نباشد قال الله تعالی ومن لم  
 یجعل الله له نورا فاما له من نور و در بعضی احادیث آمده که منافقان را هم نور باشد لیکن آن نور  
 بر صراط منطفی شود و منافقان مومنان را بگویند که نظر کنید با ما هم از نور شمار و شنی گیریم مومنان  
 گویند از جواد را کم فالتمسوا نورا یعنی باز گردید پس پشت خود جائیکه حق تعالی نور در مومنان  
 تقسیم کرده آنجا نور طلب کنید یا آنکه دو نیار وید آنجا ایمان و اعمال صالحه کسب کنید که این نور از آنست



هرگز نشاید باشد و دوم بابت حقوق الله حق تعالی و فرشتگان حق خود و پاک ندارد و سوم مظلومان  
 در آن قصاص شود بی شبهه و فرموده که مفاسد نیست که نماز و روزه و غیره حسنات دارد و یک را  
 دست تمام داده است و دیگری را مال گرفته و دیگری را خون ریخته و دیگری را آذرده است  
 پس هر یک را حسنات او داده شود و چون از حسنات هیچ مانده گمانان مظلومان بروی  
 نهاده او را بدو بخش انداخته شود لیکن اگر حق تعالی فضل فرماید خود از طرف مظلومان  
 عوض داده مظلومان را از داندانان ربانگه و مانند رسول فرمود صلی الله علیه و سلم هر که  
 مظلون شد و نیت ادای دارد او را میسر نشود حق تعالی از طرف او ادا کند و اگر در نیت او ادا  
 نیاشد قصاص محسنات و سیئات کند و معصیت اگر دین برای اسراف بر خود کرده باشد  
 البته با خود شود و اگر بنا بر ضرورت یا بر اسه تقویت بر جهاد یا برای تعفف و زکاح یا بر  
 تکفین مرده فقیر مسلمان مظلون شده باشد و نیت ادا دارد حق تعالی از او ادا کند  
 و اگر زیاده تفضل کند مظلومان را بالتعاضات خوش کند تا که او را نبخشند و او را با خود بهشت  
 برزند **فصل** بعضی مسلمانان را حق تعالی بغير حساب در بهشت داخل کند و ایشان از حساب  
 معززدارند و در صحیحین از ابی عباس مروی است که رسول فرمود صلی الله علیه و سلم عرض کرده شد  
 بر من امتهای انبیای سابق با بعضی از پیغمبران یکدم مومن است و با بعضی دو مرد و با بعضی یکی  
 و با بعضی جماعتی است و دیدم سواد کثیر که افق را پر کرده و بر شویچین سواد کثیر دیدم گفته شد  
 که این امت است یا اینها بنقاد نیز کس باشند که بغير حساب داخل بهشت شوند رسول فرمود  
 صلی الله علیه و سلم آنها کسانی که افسون کنند و دوا کنند و طبع کنند و بر خدا توکل کنند  
 عکاشه رضی الله عنه گفت من هم از آن جماعه باشم فرمود باشی مردی دیگر گفت من هم شوم  
 فرمود عکاشه سبقت کرد و همچنین در صحیحین از ابی هریره و نزد مسلم از عمران بن حصین آمده و در حدیث  
 ابی امامه آمده که آنحضرت صلی الله علیه و سلم فرمود که مرا وعده کرده است پروردگار من که نهضت  
 هزار کس از امت تو بغير حساب داخل بهشت شوند و با هر هزار کس بنقاد نیز کس باشند و ستم حلیات  
 از حلیات پروردگار و حتی چیزی را گویند که در دو کف شخص آید و در حدیث ابو بکر صدیق نزد احمد  
 و غیره آمده که بنقاد نیز کس بغير حساب داخل بهشت شوند روی شان مانند ماه شب چهارم







وزنست اگر در آن نقصان خواهد شد فراغ نفس را بنویسند و بفرموده خداوند بپردازند  
اعمال در حدیث آمده اول در نماز نظر کرده خواهد شد اگر نماز بر وجه قبول رسید و دیگر اعمال نظر کرده  
کرده شود هر که امامت کند قوی را باید که از خدا ترسد و بداند که او ضامن است اگر بخوبی امامت کرد  
او را ثواب باشد مثل ثواب همه مقتدیان و بر وجه نقصان کند بدگردان وی باشد و آن سزا  
چیز سوال نکرده خواهد شد از پاره چپ که بدان ستر عورت کند و از پاره چپ آن که گرسنگی دفع کند  
و خانه بقدر یک از گرمی و سردی بپاک کند و سوال کرده خواهد شد اذان که با که دوستی کرد و می با که  
نکردی و با که دشمنی کردی و با که نکردی حق تعالی خواهد فرمود هر که با دوستان من دوستی نکند  
و با دشمنان من دشمنی نکند و از رحمت من فرسد از پادشاهان و قاضیان حاکمان  
و سرداران سوال کرده خواهد شد از عدل و حسن سلوک با رعیت و از زنان که در مال و اولاد شوم  
چیز کرده و از بنده که در مال سید چه کرده و چون از بنده گناه تو بکند حق تعالی فرشتگان را از آن گناه  
فراموشی و بد و همچنین بخواج او را و زمین را و غیره شهادت دهند گناه را فراموش سازد و اگر مسلمان  
را در دنیا مصیبتی رسد اگر خاری در پای او خلد و او را موجب اجر داند و صبر کند آن مصیبت  
عوض گناهان شود و از جزای گناه در آخرت محفوظ ماند و بعد حساب و وزن اعمال اگر از حقوق  
چیزی بر ذمه او باقی ماند حق تعالی اگر خواهد عذاب کند و اگر خواهد بخشید و شتر عیب کند  
احمد از ابی هریره روایت کرده رسول فرمود صلی الله علیه و آله و سلم که حق تعالی بنده مسلمان را  
روز قیامت از خود نزدیک کند و بگوید نامه اعمال خود بخوان چون برسد آید آن مرد خوش شود  
حق تعالی فرماید از تو قبول کردم و پس چه رود و چون بر خواندن گناه رسد غمگین شود و تیرسد  
حق تعالی بفرماید که ترا بخشیدم باز بسجده رود و مردم از وی پیش نه بینند مگر سجود و با هم  
مردم گویند چه خوش است این مرد پیش گناه نکرده است و نمیدانند که در میان او و حق سبحانه  
چیز گذشته و این را حساب یسیر گویند عالم از عاقلان روایت کرده که آنحضرت در نماز گفت اللهم  
حاسبنی حسابا یسیرا چون از نماز فارغ شد گفت یا رسول الله حساب یسیر چیست فرمود  
که حق تعالی نامه اعمال به بیند و او را بخشد من تو قش فی الحساب یا عاقلان ملک اگر زیاده  
فرماید عوض گناه ثواب نیکی و بد حق تعالی میفرماید یا عاقلان سیئاتهم حسنات و مسلمانانی روایت

این حساب  
ازین حساب  
است که  
حق تعالی  
باید حساب  
ای حساب  
چگونه شد  
بدان  
سند حق تعالی  
حق تعالی  
بگوید



آنها را بنظر آید در آن افتد و بر وایتی آنکه که چون عبادان پیروی معبودان کنند یک فرشته بصورت  
عیسی برای نصاری و یک فرشته بصورت عزیر برای یهود ظاهر شود و آنها پیروی او کنند  
و آنها را به دوزخ رساند فقیر گوید ظاهر از یهود و نصاری کسیکه پرستش عیسی و عزیر کرده  
در فرقه رابعه داخل دوزخ شود و کسیکه عیسی و عزیر را رسول دانستند و پرستش آنها  
نکردند و بسبب انکار نبوت محمد صلی الله علیه و آله و سلم کافر شدند آنها در فرقه خامسه مساوی  
داخل دوزخ شوند چون باقی مانند مکره و منان و در میان شان منافقان باشند حق تعالی  
ظهور کند و بفرماید مردم پیروی معبودان خود کردند شما هم پیروی معبود خود کنید آنها گویند  
و الله که ما سوای خدا دیگر کسی را عبادت نکرده ایم حق تعالی بگوید که من پروردگار شما ام  
گویند که منتظریم مگر حق تعالی را بعلامتی که میشناسیم بنیم آن زبان حق تعالی تجلی کند بنحویکه  
از آن تعبیر فرموده یوم یكشف عن ساق ویدعون الی السجود و حکم کرده شود بسجود و سوره  
مخلص بسجود روند و منافقان را پشت تماثل شاخهای گاو سخت شوند و بر پشت  
افتند و سجود نتوانند کرد در دوزخ انداخته شوند پس مسلمانان سوال کرده شوند و حساب  
کرده شود و اعمال شان را در میزان عدل سنجیده شود اول سوال کرده شود از خورن زیاده متقول  
گوید یارب ازین بر پس که مرا چرا گشته حق تعالی بپرسد حال آنکه او دانا تر است غازی فی  
سبیل الله گوید که قبل کردم این را تا که عزت مرا باشد حق تعالی فرماید راست گفتی و رو  
او را حق تعالی آتش آفتاب کند و فرشتگان مشایعت او کنند و به بهشت رسانند و دیگر قاتل  
گویند گشتم او را تا که عزت مرا باشد حق تعالی فرماید بکمال شدتی تو فرستاده شود بدوزخ پیستد دیگر  
منظلم حکم بعوض کرده شود تا آنکه کسی که در شیر آب آماخته فروخته است تکلیف داده شود که شیر را  
از آب جدا کن و سوال کرده شوند مردم از صحت بدن سمع و بصر و دیگر نعمتها که کجا صرف کردید  
و سوال کرده شوند از علم که بران عمل کردند یا در رسول فرمود صلی الله علیه و آله و سلم علم را پیوسته نذارید  
خیانت در علم سخت تر است از خیانت در مال حق تعالی از آن سوال خواهد کرد فرموده که ما از جاه و تشنه  
سوال کرده خواهد شد چنانچه مال سوال کرده خواهد شد و از زنا و زانی و از اموال و ممالیک چون سوال کرده  
خواهد شد از اعمال اول از نماز سوال کرده خواهد شد و نماز را وزن کرده خواهد شد نماز را عند الله

در روز یکشنبه شششنبه شود از ساق دوزخ شوند بسجود سجود ۱۲ ممالیک جمع ممالیک یعنی غلام ۱۲



صلی الله علیه وسلم روایت کرده که سیاهی علما با خون شهیدان روز قیامت و دن کرده  
 خوابد سیاهی علما بر خون شهیدان فضل باشد و از حماد و ابراهیم نخعی مرویست که مرثی را  
 روز قیامت در میزان حسنات کم دیده شود نگاه مثل ابر باد و میزان او آینه گفته شود این بیت  
 گفته شود که این است که مردم را علم آموخته و این چیز از و جاری مانده و از ابی الدرداء مرویست  
 که هر که اجمعت شکم و فرج باشد میزان او ناقص باشد و چون مردم شمر جمع شوند و کفار از زمین  
 ممتاز گردند و دوزخ محیط محشر باشد گردنی از آتش و دوزخ بر آید خنجره و دوزخ او را بکشند او  
 بگوید قسم بجزت پروردگار من بگذارید مرا با دوزخ من گویند از دوزخ تو کیستند گوید هر تنگ جبار  
 نافرمان پس بر چیند آنها را چنانچه مرغ دانه می چیند و در شکم خود کند و باز بچیند کند و گوید بگذارید  
 مرا با دوزخ من بگویند کیستند از دوزخ تو گوید کل قنار کفوه یعنی عمده شکن ناسپاس آنها را بچیند و در شکم  
 گیرد و از مرتبه سوم بچیند کند و گوید بگذارید مرا با دوزخ من گویند آنها کیستند گوید کل قنار کفوه یعنی  
 سبب خود پخته نخر کننده و در حدیثی آمده که گردنی از آتش بر آید که آزاد و چشم باشد و زبانی فصیح  
 و گوید که من امر کرده شده ام برای کسی که با مند معبودی دیگر گیرد و بهر جبار عনা و کننده ناحق بکشد  
 که قتل کرده باشد نفسی را بغیر نفس پس آنها را بر چیند پیش از دیگر آدمیان به پانصد سال و این  
 مرجان در ارشاد گفته که چون آدم را حکم شود بفرستادن آدمیان به دوزخ بهفت قسم از دنیا  
 باشند و قسم را گردنی از دوزخ بر آید و بر چیند چنانچه گوید و دانه می چیند اول آنکسان باشند  
 که کافر باشند خدا از راه تکبر و انکار دوم آن قسم باشند که کافر باشند خدا از راه جمل  
 غفلت پست گفته شود که هر کس که با خدا و گیر را پرستش کرده است با معبود خود شود آفتاب  
 پرستان پیروی آفتاب و آتش پرستان پیروی آتش و بت پرستان پیروی بت باشند  
 و آنها با معبودان خود داخل دوزخ گردند و بگویند لو کان هؤلاء الهة ما ورونا یعنی  
 اگر اینها معبود بحق بودی داخل دوزخ نشدی پست جماعه چهارم آن باشند که خدا را یکی میدانند  
 و انبیا را کذب می کنند و در صفات الهی براه جمل رفتند چنانچه کفار یونان پست قسم خامس  
 و سادس پیود و نصاری باشند و محشر تشنه لب باشند گفته شود چه حال دارید گویند  
 تشنه لبیم ما را آب دهید گفته شود بروید و اشاره کرده شود بدوزخ و دوزخ بصورت سرب



آنکه کفار جدال کنند یعنی انکار کنند از کفر و دم حق تعالی بر آدم و دیگر انبیاء علیهم السلام عذر بخواهند  
 آنها ظاهر کنند و حجت بر دشان قائم کنند سوّم آنکه نامه اعمال هر یک بدست هر یک آید حضرت  
 صلوات الله علیه و آله وسلم میفرماید که نامه اعمال همه زیر عرش باشند حق تعالی با وی بر انگیزد  
 که نامه اعمال هر یک پریده بدست او افتد مومنان را در دست راست و کافران را در دست چپ  
 از پسین نشئت اول سطر آن باشد اقرار کتابک ط کفی بنفسک الیم علیک حسیدا یعنی بخوان  
 نامه اعمال خود را کفایت میکند نفس تو بر تو حساب کننده و در حدیث آمده که خوشی ست کسی را  
 که وزان او استغفار بسیار باشد و اعضای انسان بروی شهادت دهند بر اعمال او  
 و مکانها و زبانها بروی شهادت دهند آن زمان آدم علیه السلام را حکم شود که از اولاد خود  
 برای دوزخ جدا کن گوید چه قدر حکم شود که از هر کس یکی به بهشت و نهصد و نود و نه بدوزخ  
 و نیز آن قائم کند حق تعالی تا نیکی و بدی مردمان را در آن بنجند میزان انسان باشد بخیر درست میگردد و بد  
 باشد بقتسیمی که اگر آسمان تا زمین با در آن بنجیده شود گنجایش دارد صاحب میزان جبرئیل علیه السلام باشد  
 کافران را در میزان مطلقا وزن نباشد خطات اعمالهم در حق شالست در صحیحین از ابی هریره مروی است  
 که رسول فرمود صلی الله علیه و آله وسلم آنکه آورده شود مردی فربه و تازه و او را بقدر پریشته وزن نباشد و این  
 بیت خوانند فلا یقیم لهم یوم القیامة وزناؤه و در حدیثی دیگر آمده که جزای حسنات کفار در دنیا داده شود و  
 برای آخرت او را پنج حسنه باقی نماند و مومنان را حسنات در یک پله تراز و نه داده شود و سیات  
 و پله دوم پس اگر سیات از حسنات زیاده باشد اگر حق تعالی خواهد بخش و اگر خواهد عذاب  
 و اگر از سیات یک حسنه بهم زیاده شود آن حسنه را حق تعالی فرخ کند و او را به بهشت برد  
 بزاز و بهیمنی از انس روایت کرده که آن حضرت فرمود صلی الله علیه و آله وسلم که چون ابن آدم  
 بنجیده شود اگر میزان او ثقیل شود فرشته ندانند همه خلق شنوند این شخص نیکوخت شد بدخت  
 هرگز نخواهد شد و اگر میزان او سبک شود بگوید که این کس بدخت شد هرگز نیکوخت نخواهد شد و  
 احادیث آمده سبحانه الله نصف میزان و الحمد لله پری میزان است و لا اله الا الله راجع است  
 از جمیع خلایق و الله اکبر همچنین و ولد صالح کسی میرد و صبر کند و درود بر رسول صلی الله علیه و آله  
 و سلم فرستد و دیگر حسنات موجب نفل میزان اند و ذبی از عمران بن حصین از آن حضرت

بر آنکه هر یک برای او نشان روز قیامت در آن است  
 که در خود علامت های نشان است



کنند اول از آدم پسر از نوح پسر از ابراهیم پسر از موسی پسر از عیسی شفاعت خواهند کسی  
از آنها در خود قدرت شفاعت نیابد آنگاه پیش سرور کائنات رجوع نمایند  
آنحضرت بشفاعت بر خیزد و پیش عرضش مجید آمده سر بسجده نهاد آنگاه فرشته برآید  
و گوید یا محمد چه میخواهی آنحضرت بگوید یارب و عده کرده بودی بمن بقبول شفاعت شفاعت  
من قبول کن و در میان خلایق قضایان حکم شود که شفاعت تو قبول کردم و بر اقصای  
رسول فرمود صلی الله علیه و آله و سلم پس همراه مردم بایستیم ناگاه آواز فرود آمدن بشنیدم اهل آسمان  
بیائین فرود آید و زمین از آنها پر شود از جن و انس که در زمین باشند از بهشتیان افزود باشند و  
بسته بایستند پسر اهل آسمان دوم بسیار زیاده از اهل زمین و اهل آسمان اول پسر اهل آسمان  
سوم زیاده از دو پیشین جمیع اهل آسمانها فرود آیند هر یک زیاده از سابق پسر حق تعالی نزول  
فرماید فی ظل من الغمام مراد از نزول و الله اعلم نحوی از تجلی باشد پس حق تعالی در  
جانوران حکم قصاص فرماید هر بی شاخ از شاخدار عوض گیر و اگر انسانی عصفوری را بکشد  
عصفور فرماید بکند یارب این شخص مرا بیفایده کشت نخورد و نه منفعت گرفت و نه زنده گذاشت  
و زمین تو رسول فرمود صلی الله علیه و آله و سلم نهی بسبب گریه جود دفع رفت او را بسته شد  
و طعام نداد و نه آگاهی داشت تا از حشرات زمین می خورد و شخصی ششتری را علف نداد آن حضرت صلی الله  
علیه و آله و سلم فرمود که این ششتری را تو روز قیامت خصومت خواهد کرد چون قصاص جانوران  
تمام شود حق تعالی بفرماید که خاک شوید همه خاک شوند کافر گوید که شکلی من هم خاک میشدم پس  
حق تعالی نوح علیه السلام را طلب کند و بفرماید که پیام من بخلق رسانیدی گوید رسانیدم  
امت او را طلب کند و گوید که نوح پیام من بشمار رسانیده آنها انکار کنند همچنین از دیگر انبیا  
و امتان شان سوال کند کافران منکر شوند حق تعالی از انبیا شهود طلب کند گویند امت محمد  
صلی الله علیه و آله و سلم شاهد است امت محمد صلی الله علیه و سلم را طلب کند انبیا شاهد  
و چند که انبیا راست میگویند گفته شود که شما از چه دانستید گویند که پیغمبر با کتابی از تو آورد و  
خبر داد که انبیا تبلیغ کردند حق تعالی بفرماید که راست گفتید و پیغمبر صلی الله علیه و سلم گوی  
و بدین صدق است خود رسول فرمود صلی الله علیه و آله و سلم که سه عرض شود روز قیامت اول



باشد و در آن دو میز آب از بهشت افتد و علامت امت آن سرور صلی الله علیه و آله و سلم  
 آن باشد که روشن باشند اعضای وضو از ایشان و علی بن ابی طالب رضی الله عنه ساقی  
 باشد هر که از آن آب داد آنکس باز نشسته نشود بعضی علما گویند که ورود بر حوض بعد از نشستن  
 از صراط باشد و بعضی پیش از حساب گویند و ظاهر آنست که بعضی کسان را وقت برین  
 از قبول داده شود و بعضی را بسبب معاصی در آن وقت آب نه داده شود و بعضی خلاصی از  
 دوزخ پیش از دخول جنت داده شود تشنگی برداشتن در صوم سبب خوردن آب کوثر  
 باشد مشرکان را آب کوثر در نصیب نیست و علما گفته اند که اهل بیو ابی روافض و خوارج  
 و معتزله و مانند شان نیز از آب کوثر محروم باشند و اهل کبائر را بعد خلاصی از دوزخ آب کوثر  
 رسد **فصل** چون مردم بمحشر جمع شوند دوزخ را آورده شود و مقدار نیر بارگ بر هر یک بنقشه اندازند  
 فرشته وقتیکه دوزخ بر صد ساله راه از خلایق باشد بچیند و حکم کند تقسیم کند انبیاء و اولاد که خوف  
 وی برزاق افتند و نفسی نفسی گویند و رسول کریم صلی الله علیه و آله و سلم امتی امتی گوید  
 حق تعالی فرماید اولیای من است که لا خوف علیهم و لا هم یحزنون سر خواهیم کرد چشم ترا در حق امت تو  
 یا محمد و آفتاب نزدیک شود در آن روز بقدر یک میل و حرارت او زیاده کرده شود مردم در عرق  
 غرق شوند بقدر گمان شان بعضی تا شش انگشت و بعضی تا زانو و بعضی تا کمر و بعضی تا پاهای  
 گفته اند که این از خوارق آن روزست که در زمین برابر تفاوت در عرق غرق شوند و در آن روز  
 سایه اعمال صالحه باشد بسبب اعمال صالحه و دوام فکر خدا و عدالت حاکمان و رحم بر ضعیفان  
 و ترسیدن از خدا و تعلم قرآن و محبت داشتن با صالحان خالصان و حسن اخلاق و صلح مردم و  
 آن در سایه عرش خدا باشد کسانیکه خالصانند بیواسطه قرابت و مانند آن با هم دوستی  
 کنند و مردم را دوستی خدا دهند و با خدا دوست سازند و در آن روز آنها را حق تعالی بر منبر  
 نور نشاند که انبیاء و شهادت از آن غبطه کنند و کسانیکه علم دینی بمردم آموزند آنها را حق تعالی  
 بر منبر های زیر قیما از سیم نشاند که مرصع باشد بمر و ارید و یا قوت و پوشش آن قیما  
 سندس و استبرق باشد چون در آن روز مردم در عرصات و عرق غرق و محبوس شوند  
 و از طول انتظار آرزو کنند که از آن مقام رفائی یابند اگر چه بد و زخ و زنده آن زمان شفیع طلب

در میان آنرا از استقامت و تقوی و شهادت و زاهدان و عابدان



پس که از مسئله سوال کرده شود و او جواب میدهد بیداند و پوشیده دارد و او را از آتش الهام داده شود و هر که در قرآن بغیر علم چیزی بگوید او را هم از آتش الهام داده شود و اسلام و قرآن و اعمال صالحه شفاعت کنند و در ثواب قاریان قرآن مادر پدرشان را طلبا بپوشانند و تاج بر سر نهاده شود رسول فرمود صلی الله علیه و آله وسلم از آتش سیر میگرد بگوید سبحان الله الحمد لله لا اله الا الله الله اکبر این ابی الدنیا از ابن عباس روایت کرده که روز قیامت دنیا را بر صورت سیر زنی سفید مو از روی چشم کریمه النظر آورده شود و او غلاق بیند و گفته شود که این را بشناسید مردم گویند فوفی بالقد من مفرقة هذه گفته شود که این دنیا است که بران تفاخر میکردید و با هم حسد و قطع رحم می نمودید و بغض میکردید پس او را در روز قیامت انداخته شود پس بگوید ای پروردگار! اتباع و پیروان من کجا هستند حکم شود که اتباع و پیروان او را نیز با وی بیندازند شعر بر روز حشر شود همچو روز محلول است که با که باشد عشق در شب و بیکور و بی همتی از عباد بن الصامت و عمرو بن عبس روایت کرده که دنیا را آورده شود و آنچه در دنیا بری خداست آنرا جلد کرده شود و آنچه برای غیر خداست در آتش انداخته شود و آنحضرت صلی الله علیه و وسلم فرمود مسئله چیز زیر عرش باشد قرآن و امانت و رحم و شفاعت کنند رحم گوید هر که وصل کرده آبی با وی وصل کن و هر که قطع کرده آبی از وی قطع کن و در احادیث آمده که اسلام و اعمال و قرآن و امانت و رحم و ایام دنیا و موت و مانند آن بر صحت اعیان محسوب شوند بعضی علما تاویل میکنند و میگویند که از اعمال نیک صورتهای خوب از اعمال بد صورتهای غیر پیدا کنند و در زمین بنهند و اصحاب کشف اینهمه احادیث را بر صورت ثنائیه حمل میکنند لیکن ایمان بدان باید آورد و جزم بگیری از آن تاویلات نتوان کرد و کثرت از آن نباید نمود

**فصل** در ذکر کوشن چون مردم از قبور برآیند تشنگی با آنها غالب باشد و هر پیغمبر را در آن روز حوضی باشد و هرا متی را علامت باشد که بنی شان از آن علامت است خود را بشناسد و سید الرسل صلی الله علیه و آله وسلم را حوضی باشد بنام کوشن بمعنی خیر کثیر طول و عرض آن یکماه راه باشد آب آن سفید تر از شیر و شیرین تر از عسل و سرد تر از برف و خوشبو تر از مشک و بر آن آب کوزه ها باشند مانند ستمگران و زمین او از یاقوت و مرجان و زرد

اینکه کسی که در دنیا با کسی دشمنی کند و در روز قیامت با او روبرو شود و او را ببیند و او را بگوید ای دشمن من! من تو را در دنیا با دشمنی کردم و تو مرا در روز قیامت با دشمنی میبینی



بر پشت تو سوار کرده ام حالا تو بر من سوار شو لیکن خشم من به حق تعالی است و خدا که گمراه از ان است  
و عمل کافر بدترین صورت و بدترین با وی ملاقات کند و بگوید که مرا می شناسی گوید نمی شناسم  
لیکن چه بد کرده است حق تعالی صورت تو و بوی تو بگوید همچنین بودی تو در دنیا من عمل بد تو را  
بسیار سوار می کردی تو بر من اکنون من بر تو سوار می شوم و تو بگو ای چنین بودی تو در دنیا من عمل بد تو را  
از ان است و چون از قبور روان شوند فرشتگان نویسندگان نیکی و بدی همراه باشند  
و شاهد باشند بر آنها مسلمانان را بگویند لا تحف ولا تحزن والبشر بالجنة التي كنتم توعدون  
یعنی خوف مکن و غم مخور و خوش باش بهشت که حق تعالی ترا وعده کرده بود کافران و فاسقان  
بر صورت های زبون باشند نابینا و بعضی بر صورت خوک یا بوزنه و مانند آن باشند  
و راجواریان مانند دیوز و گلان استخوان نتوانند و آنرا که مال یتیمان بظلم خورده باشند  
چون از قبور برخیزند شعله آتش از دمان شان بر آید قال الله تعالی انما یا کلون فی  
بطونهم ناراً که متکبران بر صورت مورچها باشند هر کس آنها را پامال کند و هر که بدون حاجت مال  
کند چون از قبر برخیزد بروی او مضافه گوشت نباشد هر که بر قتل مسلمان به نیم کلمه تکلم کند  
نوشته شود بر پیشانی او نا امید از رحمت خدا هر که بجانب کعبه براق انداخته براق او بر وی  
او باشد هر که دوزخ داشته باشد و عدل نکند روز قیامت یک پهلوی او افتاده باشد  
هر که در دنیا دوزبان باشد او را حق تعالی دوزبان دهد از آتش هر که مقدار یک جیب  
زمین نصب کرده باشد حق تعالی آن زمین را تا بهفت طبقه طوق در گردن سازد  
و همچنین اگر کسی از راه مسلمانان گرفت باشد هر که از مال غنیمت شتر یا اسب یا بز یا دیگر  
مال خیانت کرده باشد آن مال را حق تعالی برگردنش سوار گرداند هر که زیاده از حاجت عمارت  
کرده باشد تکلیف داده شود که این عمارت را بردوش خود بردارد هر که زکات مال نداده باشد  
زروسیم او را با آتش دوزخ گرم کرده او را داغ داده شود و شتران و گاو و گوسفندان  
اگر زکوة نداده باشند آن جانوران تا پنجاه هزار سال بروی بگذرند و او را پامال نمایند  
هر که حاکم باشد اگر چه برده کس حکم رانده باشد آورده شود او را دست او بگردنش بسته اگر  
انگونی و عدل کرده باشد خلاصی یابد و اگر بدی و ظلم کرده باشد طوق بگردنش کرده شود

این روایت از کتب معتبره است  
و در بعضی کتب آمده است که  
بر پشت تو سوار کرده ام حالا تو بر من سوار شو لیکن خشم من به حق تعالی است  
و عمل کافر بدترین صورت و بدترین با وی ملاقات کند و بگوید که مرا می شناسی  
گوید نمی شناسم لیکن چه بد کرده است حق تعالی صورت تو و بوی تو بگوید  
همچنین بودی تو در دنیا من عمل بد تو را بسیار سوار می کردی تو بر من  
اکنون من بر تو سوار می شوم و تو بگو ای چنین بودی تو در دنیا من عمل بد تو را  
از ان است و چون از قبور روان شوند فرشتگان نویسندگان نیکی و بدی همراه  
باشند و شاهد باشند بر آنها مسلمانان را بگویند لا تحف ولا تحزن والبشر بالجنة  
التي كنتم توعدون یعنی خوف مکن و غم مخور و خوش باش بهشت که حق تعالی  
ترا وعده کرده بود کافران و فاسقان بر صورت های زبون باشند نابینا و بعضی  
بر صورت خوک یا بوزنه و مانند آن باشند و راجواریان مانند دیوز و گلان  
استخوان نتوانند و آنرا که مال یتیمان بظلم خورده باشند چون از قبور  
برخیزند شعله آتش از دمان شان بر آید قال الله تعالی انما یا کلون فی بطونهم  
ناراً که متکبران بر صورت مورچها باشند هر کس آنها را پامال کند و هر که  
بدون حاجت مال کند چون از قبر برخیزد بروی او مضافه گوشت نباشد هر که  
بر قتل مسلمان به نیم کلمه تکلم کند نوشته شود بر پیشانی او نا امید از  
رحمت خدا هر که بجانب کعبه براق انداخته براق او بر وی او باشد هر که  
دوزخ داشته باشد و عدل نکند روز قیامت یک پهلوی او افتاده باشد هر که  
در دنیا دوزبان باشد او را حق تعالی دوزبان دهد از آتش هر که مقدار یک جیب  
زمین نصب کرده باشد حق تعالی آن زمین را تا بهفت طبقه طوق در گردن سازد  
و همچنین اگر کسی از راه مسلمانان گرفت باشد هر که از مال غنیمت شتر یا اسب  
یا بز یا دیگر مال خیانت کرده باشد آن مال را حق تعالی برگردنش سوار گرداند  
هر که زیاده از حاجت عمارت کرده باشد تکلیف داده شود که این عمارت را  
بردوش خود بردارد هر که زکات مال نداده باشد زروسیم او را با آتش دوزخ  
گرم کرده او را داغ داده شود و شتران و گاو و گوسفندان اگر زکوة نداده  
باشند آن جانوران تا پنجاه هزار سال بروی بگذرند و او را پامال نمایند  
هر که حاکم باشد اگر چه برده کس حکم رانده باشد آورده شود او را دست او  
بگردنش بسته اگر انگونی و عدل کرده باشد خلاصی یابد و اگر بدی و ظلم کرده  
باشد طوق بگردنش کرده شود



باشد یا سوم آنند نخل از صور بایند و حکم الهی هر یک روح و جسد خود داخل شود از راه بینی زمین  
 بشکافد و مردگان از زمین برآیند رسول فرمود صلی الله علیه و سلم اول کسیکه از زمین برآید  
 من باشم پستریه مومنان از قبور برآیند مومنان وقت برخواستن گویند الحمد لله الذی اذهب  
 عنا الحزن ان ربنا لغفور شکور و کافران وقت برخواستن گویند یا ولینا من یبئنا من  
 مرقدنا هذا و بعد الرحمن و صدق المرسلون هر جماعتی برانگیخته شود با اهل عمل خود صالحان  
 با صالحان و فاسقان با فاسقان و کافران با کافران رسول فرمود صلی الله علیه و سلم مبعوث  
 کرده شوم من روز قیامت در میان ابوبکر و عمر و پیغمبر برانگیخته شوم بقیع بقیع بقیع بقیع  
 بستر بایند بسوی من اهل که و بدینه و کس حشر کرده شود بر عملی که بکافران کرده باشد شهیدان  
 چون مبعوث شوند از زخمهای شان خون برآید که در رنگ مثل خون و بوی مانند مشک  
 باشد و هر که درج مرده تبلیه گویان بر خیزد و بر که در شراب خواری مرده درستی بر خیزد و چنین  
 صاحب هر عمل نیک یا بد در صحیحین آمده که همه کسان بر مینه غیر مختون بر خیزند اول کسیکه پوشانیده شود  
 ابراهیم علیه السلام باشد که دو پارچه سفید نفیس از بهشت پوشانیده شود پستریه رسول کریم  
 صلی الله علیه و سلم بهتر از آن پستریه دیگر رسل و انبیاء پستریه پوشانیده شوند موزان و در بعضی جاها  
 آمده که مردگان در همان پارچه مدفون شدند برانگیخته شوند و بعضی گویند که آن شهیدان  
 باشند که در پارچه شهادت مدفون شده بودند و شاید که همه مردگان در پارچه خود مبعوث  
 شوند پستریه آن پارچه دور شود و بر مینه گردند پستریه هر یک موافق عمل او پوشانیده شود  
 و بعضی گویند مراد از پارچه اعمال صالحه است حق تعالی میفرماید و لباس التقوی ذلک خیر  
 پستریه رسول صلی الله علیه و سلم بپایق سوار شود و حسین بر ناقه رسول کریم سوار شوند  
 پستریه یاران بر ناقه های بهشت بازینهای طلا و مهارهای زهره سوار کرده محشر برده شوند  
 و فاسقان را پیاده پابرند و کافران را بر رویهای شان کشیده برند و در حدیث آمده که هرگاه در  
 از قبور برآیند عمل او بر صورت انسانی با وی ملاقات کند عمل مسلمان بر نیک عمین صورت  
 و خوشترین بود گوید مومن را که مرامی شناسی که بدیعی شناسم مگر آنکه حق تعالی چه خوش

در این کتاب  
 که در روز قیامت  
 مبعوث شود  
 پستریه رسول  
 صلی الله علیه و سلم  
 پستریه یاران  
 پستریه مومنان  
 پستریه کافران  
 پستریه فاسقان  
 پستریه شهیدان  
 پستریه مجرمین  
 پستریه سواران  
 پستریه پیاده ها  
 پستریه طلا و مهار  
 پستریه زهره  
 پستریه کافران  
 پستریه مسلمانان  
 پستریه عمین  
 پستریه خوشترین  
 پستریه مومن  
 پستریه مرامی  
 پستریه بدیعی  
 پستریه شناسی  
 پستریه شناسم  
 پستریه مگر آنکه  
 پستریه حق تعالی  
 پستریه چه خوش



تمثل شود و به بت پرستی دلالت کند و عزی و فو و الخ لصد را پرستند آن زمان نفخ صور شود  
و هر که شنود کج کند گردن را پس میزند و الله اعلم نفخه اول است که از آن میزند و در حدیثی آمده که نفخه  
اول نفخه فرج است که از آن نفخه اهل آسمان در زمین در فرج و دشت آیند از آن نفخه که بهایرند و مثل  
ریگ شده بریزند و زمین در لغزش آید چنانچه کشتی در دریای لرزه و مردم از لغزش زمین مضطرب  
شوند و زمین خزان و مردگان را که در زمین باشند بیرون افکند و زنان باردار اسقاط حمل کنند  
و بچگان و جوانان پیر و ضعیف شوند و شیاطین از هول بگریزند بسوی اقطار زمین پس ملائکه  
روای شان را بزنند و باز گردانند و مردم بگریزند و بعضی را نکند آن زمان زمین  
تسکافد و آسمان مانند روی شود پس بشکافد و ستارگان بریزند و شمس و قمر بی نور شوند  
این همه عذاب بر شما رخلق باشد و مردگان را ازین خبر نباشد بعد رین حال چندی باشد  
پس حکم شود اسرافیل را که باز در صور بدمد و در آن دم همه میسند از انس و جن و شیاطین بعد  
ملائکه میزند تا که باقی نماند مگر جبرئیل و میکائیل و اسرافیل و عزرائیل و حمله عرش پست حکم شود  
جبرئیل و میکائیل بمیند پست حاکمان عرش میزند و عرش را حکم شود صور از اسرافیل بگیرد و اسرافیل  
بمیر حق تعالی بفرماید **یا ایها الملک الیوم کسی جواب دهنده نباشد خود بگوید الله الواحد القهار**

در ذریعہ کتب  
فان القرآن حکایت  
و در حدیثی که در  
بعضی کتب است  
که در روز قیامت  
ملائکة را میفرستند  
تا بر سر کافران  
بفرسند و در حدیثی  
که در کتب است  
که در روز قیامت  
ملائکة را میفرستند  
تا بر سر کافران  
بفرسند

### باب دوم در احوال و زبعت نشو و نما که چاه نهر رساله باشد تا دخول جنت و نار

بعد از نفخه ثانیه یا اولی علی اختلاف الروایتین چون چهل سال بگذرد باران از عرش فرود بر زمین تا چهل  
روز تا که آب بالایی زمین دوازده گز شود و از آن آب حق تعالی اجساد مردگان را بر ویانند چنانچه پیش  
از زمین میرود و چون جسد های آدمیان کامل شود چنانچه بودند حق تعالی زمینی دیگر از نفخه پیدا  
کند و آسمانی دیگر از زیر پیدا کند و مردگان را ازین زمین بران اندازد بر پشت زمین و شکم  
نمین پست حق تعالی اول حاکمان عرش را زنده کند پست حق تعالی اسرافیل را زنده کند و صور از  
عرش بگیرد و بر لب نهد پست جبرئیل و میکائیل و دیگر فرشتگان را زنده کند و ارواح را  
طلب فرماید ارواح مومنان نور ایمان تا بلان و درختان و ارواح کافران بطاعت کفر و عاصی  
سیاه همه را حق تعالی در صور را ندانند پس حکم خدا را اسرافیل صور بدمد و ارواح باین نفخه که دوم



محمدی و جزیه نهند بر نصاری و غیره کفار از دنیا معلوم میشود که نصاری بر کفر خود با نیت خود میسر گردید  
 نشوند و مال بسیار تقسیم کند تا آنکه کسی قبول نکند و یک شجده نزد مردم بهتر باشد از دنیا و اقیانوس  
 و مسلم زیاده کرده که شتر ماده جوان را گذاشته شود کسی بروی سبی نکند و عداوت و بغض  
 و مردم نماند و مردم را برای گرفتن مال طلبیده شود کسی قبول نکند و نیز مسلم از جابر  
 روایت کرده که چون عیسی نازل شود امیر آنوقت بگوید که شما امامت کنید و نماز کنید بگوید  
 بعضی شما یزیدی امیر باشد برای اکرام این امت و این جودی از عبد الله بن عمر روایت کرده  
 که رسول صلی الله علیه و سلم فرمود که عیسی نازل شود و کحل کند و اولاد او پیدا شود و چهل و پنج  
 سال باشد پسر میرد و با من در قبرست و دفن کرده شود و روز قیامت من و عیسی بر فیما بین  
 در میان ابی بکر و عمر و عیسی در صحیح مسلم از عبد الله بن عمر و از ان حضرت صلی الله علیه و سلم  
 مروی است که عیسی هفت سال باشد و تطبیق این حدیث با حدیث سابق آنست که بودن  
 عیسی در زمین چهل و پنج سال است از آنجمله سی و هشت سال پیش از رفتن بسوی آسمان  
 و هفت سال بعد نزول **فصل** از ابی هریره در صحیح میروی است که رسول فرمود صلی الله  
 علیه و سلم که پیش از قیامت فرات گنجی بیرون دهد از زیر پس کسی که آنجا حاضر باشد باید  
 که بگیرد از آن و روایتی در صحیح مسلم از ابی هریره از آنحضرت صلی الله علیه و سلم آمده که فرات  
 کوهی از زیر بیرون دهد مردم بروی جنگ کنند تا آنکه از صد کس نود و نه کشته شوند و هر کس  
 گوید شاید من باشم که نجات یابم و نیز مسلم از ابی هریره از آن حضرت صلی الله علیه و سلم  
 روایت کرده که قتی کند زمین جگر گوشه های خود را مانند ستونها از زر و نقره پس قاتل حست  
 کند و بگوید که برای این مال قتل کرده بودم و کسی که قطع رحم کرده بگوید که برای این مال قطع رحم  
 کرده بودم و دزد بگوید که برای این مال دست من قطع کرده شده پس طلبیده شوند مردم که  
 بگیرند و کسی آنرا بگیرد این هر دو حدیث بر از من مختلفه حمل کرده شود شاید که در این حدیث و اگر رفتن  
 مال قتال کنند و آخر کار کسی قبول نکند و الله اعلم و مسلم از عبد الله بن مسعود و انس و غیره  
 روایت کرده که قیامت نخواهد شد مگر بر بدترین خلق کسی در زمین الله الله گوید بعد وفات  
 عیسی مسلمانان از بادی لطیف میزند و مردم معروف و منکر را نشانند و شیطان

در این حدیث از ابی هریره از آنحضرت صلی الله علیه و سلم مروی است که عیسی هفت سال باشد و تطبیق این حدیث با حدیث سابق آنست که بودن عیسی در زمین چهل و پنج سال است از آنجمله سی و هشت سال پیش از رفتن بسوی آسمان و هفت سال بعد نزول  
 در این حدیث از ابی هریره از آنحضرت صلی الله علیه و سلم مروی است که رسول فرمود صلی الله علیه و سلم که پیش از قیامت فرات گنجی بیرون دهد از زیر پس کسی که آنجا حاضر باشد باید که بگیرد از آن و روایتی در صحیح مسلم از ابی هریره از آنحضرت صلی الله علیه و سلم آمده که فرات کوهی از زیر بیرون دهد مردم بروی جنگ کنند تا آنکه از صد کس نود و نه کشته شوند و هر کس گوید شاید من باشم که نجات یابم و نیز مسلم از ابی هریره از آن حضرت صلی الله علیه و سلم روایت کرده که قتی کند زمین جگر گوشه های خود را مانند ستونها از زر و نقره پس قاتل حست کند و بگوید که برای این مال قتل کرده بودم و کسی که قطع رحم کرده بگوید که برای این مال قطع رحم کرده بودم و دزد بگوید که برای این مال دست من قطع کرده شده پس طلبیده شوند مردم که بگیرند و کسی آنرا بگیرد این هر دو حدیث بر از من مختلفه حمل کرده شود شاید که در این حدیث و اگر رفتن مال قتال کنند و آخر کار کسی قبول نکند و الله اعلم و مسلم از عبد الله بن مسعود و انس و غیره روایت کرده که قیامت نخواهد شد مگر بر بدترین خلق کسی در زمین الله الله گوید بعد وفات عیسی مسلمانان از بادی لطیف میزند و مردم معروف و منکر را نشانند و شیطان

از این حدیث از ابی هریره از آنحضرت صلی الله علیه و سلم مروی است که رسول فرمود صلی الله علیه و سلم که پیش از قیامت فرات گنجی بیرون دهد از زیر پس کسی که آنجا حاضر باشد باید که بگیرد از آن و روایتی در صحیح مسلم از ابی هریره از آنحضرت صلی الله علیه و سلم آمده که فرات کوهی از زیر بیرون دهد مردم بروی جنگ کنند تا آنکه از صد کس نود و نه کشته شوند و هر کس گوید شاید من باشم که نجات یابم و نیز مسلم از ابی هریره از آن حضرت صلی الله علیه و سلم روایت کرده که قتی کند زمین جگر گوشه های خود را مانند ستونها از زر و نقره پس قاتل حست کند و بگوید که برای این مال قتل کرده بودم و کسی که قطع رحم کرده بگوید که برای این مال قطع رحم کرده بودم و دزد بگوید که برای این مال دست من قطع کرده شده پس طلبیده شوند مردم که بگیرند و کسی آنرا بگیرد این هر دو حدیث بر از من مختلفه حمل کرده شود شاید که در این حدیث و اگر رفتن مال قتال کنند و آخر کار کسی قبول نکند و الله اعلم و مسلم از عبد الله بن مسعود و انس و غیره روایت کرده که قیامت نخواهد شد مگر بر بدترین خلق کسی در زمین الله الله گوید بعد وفات عیسی مسلمانان از بادی لطیف میزند و مردم معروف و منکر را نشانند و شیطان



اندازند حق سبحانه تعالی تیرهای شان را بر خون بازگرداند و نبی صلی الله علیه و آله و سلم و یاران او  
 محصور باشند تا آنکه کل گاو و بز و آنها بهتر باشد از صد دینار نزد شما پس روی آرند بنسب الله و یاران  
 او بدعا بسوی خدا پس حق تعالی گرمی در گردنهای آنها پیدا کند پس همه آنها همیشه زندگانی  
 و یاران او از طور بسوی زمین فرو آیند و یک وجب زمین از مردار و بدبوی یا جوج و ماجوج  
 خالی نیابند باز عیسی و یاران او بجناب الهی دعا کنند حق تعالی جانوران پرند بفرستد  
 که گردنهای آنها مثل شتران نخچنی باشد آنها را برداشته جائیکه خدا خواهد بیندازد و کما تها  
 و تیرهای و ترکشهای شان آنقدر باقی ماند که تا هفت سال مسلمانان میسوزند باشند  
 پس حق تعالی باران بفرستد که بیخ خانه از خشت یا پارچه و ششم پناه ازان باران تواند  
 پس تمام زمین را بشوید تا که صاف شود مثل آینه پس بفرماید حق تعالی زمین را که  
 شتر را و یاند و برکت باز دهد پس در آن روز یک انار آن قدر باشد که جماعتی بخورد و از پوست  
 آن سایه کند و در مواشی آنقدر برکت شود که یک شتر ماده شیر در کفایت کند جماعت کثیره  
 و گاو ماده شیر در یک قبیله کلان را و بز ماده شیر در کفایت کند قبیله خرد را همچنین باشند  
 آنکه حق تعالی باد پاکیزه بفرستد و مردم را از زیر بغلها بگیرد و ازان باد همه مسلمانان بمیرند و کفار  
 باقی مانند باهم اختلاط کنند مثل خران بر آنها قیامت قائم شود و در صحیحین آمده  
 که دجال از مشرق بقصد مدینه آید و پس کوه احد فرو آید حق تعالی او را از دخیل مدینه  
 محروم داشته ملائکه روی او را بسوی شام گردانند و اسخا هلاک شود و آن حضرت  
 صلی الله علیه و آله و سلم فرموده که هر که دجال را در یابد آیات اول سوره کاف بخواند از شر او  
 ایمن باشد و بهیچ ادابی هرگز روایت کرده که دجال بر خراب شد میان دو گوش آن خرنقباد  
 باغ فاصله باشد باغ مقدار قدم است و در صحیح مسلم قصه تقسم داری ست ازان معلوم  
 می شود که دجال موجود است مجوس ست در جزیره دریای شام یاد ریای یمن دخیل  
 مکه و مدینه و دجال را میسر نشود **فصل** در صحیحین از ادبی هرگز روایت که آنحضرت  
 صلی الله علیه و آله و سلم فرمود که قریب است که فرود آید عیسی بن مریم حاکم عادل بشکند صلیت  
 که نصاری آنرا می پرستند و باشد توکان را یعنی حرام کند خوردن آن موافق شرع

نصف قمر  
 از شتران  
 غراسانی دراز  
 گردن شتران  
 در صورت  
 مشکوه است  
 داخل نشود  
 بدین ترتیب  
 دجال و یار  
 در آن روز  
 نیست در شب  
 و در روز  
 از آنرا هیچ  
 بر نماند









آنکه آیات خدای تعالی نداشتند ابن عباس گفته که هر دو باشند با مسلمانان کلام کند و کافران را زخم  
رساند و قدرت و ایات احادیث اختلاف است و بعضی روایات آمده که روی او مثل روی انسان  
باشد صاحب سجد و سائر بدن او مثل بریده باشد و در اکثر روایات آمده که چهار پایه باشد  
و در کوه از کوه صفا بر آید ابن عباس در حج بر کوه صفا عصا گرفت و گفت که دابة الارض اوان  
این گرفت می نشنود و بسیار عظیم است بآنکه عبد الله بن عمر گفته که سر او با بر سر دو پا و منوی  
در زمین باشد و بجوی از اشلی شریح انصاری از آن حضرت صلی الله علیه و سلم روایت کرده  
که دابة الارض سه بار خالص شود اول در بین ذکر او در صحرا باشد و در که ذکر او رسد باز در  
صحرا قریب که بر آید و ذکر او در که رسد سوم بار در که بر آید سر خود را از خاک افشانند و مردم که در غبی  
که کسی از روی گریختن تواند و سخن گوید مسلمان را یا مومن و کافر را گوید یا کافر و دهر وایتی آمده که بای  
عصای موسی و خاتم سلیمان باشد از عصای موسی بر پیشانی مومن نکته سفید ماند و لفظ مومن  
نوشته شود و تمام روی او روشن شود مثل کوب در حشان و کافر را نکته سیاه بخاتم سلیمان  
بر پیشانی کند کافر نوشته شود و روی او سیاه شود بعد از آن مردم بشناسند و در بازار را بگویند  
ای مومن رخت بپوش میدی و بعضی روایات آمده که خروج دابة الارض مخصوص عیسی باشد عیسی  
و مسلمانان در طواف باشند که زمین بلرزد و صفا شکافته شود و دابة بر آید لیکن در صحیح مسلم نیست  
که اول آیات طلوع شمس از مغرب و خروج دابة است چنانچه گذشت جلال الدین سیوطی گفته  
که بعد دابة الارض امر معروف و نهی منکر باقی نماند و پیچ کافر بعد از آن ایمان نیارد و ترمذی  
از ابی سعید خدری روایت کرده که رسول صلی الله علیه و سلم فرموده قسم بکسی که جان من  
در دست اوست قیامت قائم نشود تا که سباع با آدمیان سخن گویند و دشت تازیانه و شرک  
نعل کلام کند در آن مرد و خبر بد بخیر که زن او بعد او کرده باشد و مسلم از خدیجه بن اسد عقیار  
از رسول صلی الله علیه و سلم روایت کرده که قائم نشود قیامت تا که ده چیز پیش از آن ظهور آیند  
و خان و دجال و دابة الارض و طلوع آفتاب از مغرب و نزول عیسی علیه السلام و یاجوج و ماجوج  
و سه خسف یکی در شرق دوم در مغرب سوم در جزیره عرب و آخر مهلتی از زمین بر آید که مردم را  
بسوی محشر بر دینی زمین شام و در روایتی دهم بادی تند وزد که مردم را در دریا افکند و مسلم



علیه وسلم روایت کرده نخواهد رفت دنیا تا که مالک شود عرب مروی از اهل بیت من که نام او نام من  
و نام پدرش نام پدر من زمین را از عدل بپایند یعنی از جور برشته بود و آلوده و از علی رضی الله  
عنه روایت کرده که بسوی حسن رضی الله عنه دید و گفت که این پسر من سید است چنانچه رسول فرمود  
صلی الله علیه و سلم از صلب این موی پیدا شود که نام او نام نبی شما باشد مشایخ باشند حضرت  
در خلق الله در خلق آلوده و از ابی سعید خدری از ان حضرت صلی الله علیه و سلم آورده در صفت من  
گشاده پیشانی بلند و باریک بینی و آلوده و از امام سلمه از ان حضرت صلی الله علیه و سلم روایت کرده  
که با دشمنی میخوان زبان مروی از اهل مدینه بر آید و بسوی مکه گریخته رود و او را مردم برای خلافت  
بر دارند و او کاره باشد و در میان کن و مقام با وی بیعت کنند پس لشکری از طرف شام بروی  
فرستاده شود پس آن لشکر در میان مکه و مدینه در زمین فرود و ابدال از شام و عصبان از  
عراق آمده با وی بیعت کنند پس مروی از قریش بر آید که اخطا و از نبی کلب باشند مهدی و  
لشکر فرستد و بر او غالب شود و مهدی بر سنت پیغمبر صلی الله علیه و سلم عمل کند و اسلام در وقت  
او آرام بگیرد و هفت سال با دشمنی کند پس بمیرد و مسلمانان بروی نماز خوانند و در روایت مرفوعه  
از ابی سعید خدری نزو حکم وارد شده زمین را از عدل بپایند و اهل آسمان زمین از واضی باشند آسمان  
در باریدن زمین در روایند کمی نکنند مردم آرزو کنند و گویند درین وقت اگر مردگان هم زنده  
بودندی خوش آسایش گردندی و حدیث جابر صحیحین است که در آخر زمان خلیفه باشد که مال را بشمارد  
قسمت کند بهر دوست و مسلم از ابی هریره روایت کرده از آنحضرت صلی الله علیه و سلم که قیامت  
قائم نشود تا که مال بسیار شود بحدی که مرد زکوة بر آرد و نیاید کسی را که قبول زکوة کند نوع دوم  
در علامات کبری مسلم از عبد الله بن عمر آورده که رسول فرمود صلی الله علیه و سلم اول آیات طلوع  
آفتاب از جانب مغرب باشد یا خروج دایره الارض وقت یا شست هر یکی که از اینها باشد دوم طلوع  
آن ظاهر شود قال الله تعالی و اذا وقع القول علیهم اخرجناهم دایه من الارض کلهم ان الناس كانوا  
بآیاتنا لایوقنون یعنی وقتیکه واقع شود حکم خدا بر مردم به قیامت قیامت یعنی قیامت نزدیک  
رسد خارج کنیم برای مردم دایه الارض که سخن گوید با مردم آنکه مردم به آیات مایقین نبی داشته  
و در قرآن شیر متواتر است که متواتر است تا و سکون کاف و خفیف لام آمده یعنی زخمی کند مردم را بر آس

[illegible]









سبحان الله وحمده زهی صاغی که از خاک و نطفه انسان را بوجود آورده کمترین تشبیه کند و منظم  
جلال و جمال خود و متصف بصفات کمال ساخته تجلوا سمیعاً بصیراً و باین همه ضعف و ناتوانی و  
جمل و نادانی بلامانت را که زمین و آسمان تاب تحمل آن نیاوردند تحمل ساخته و کان ذلک  
علی التّیسیر و هر یک را بخود راه نمونی فرموده اما شاکراً و اما کفو را و برای شاکران نعمت  
و مودیان امانت جنات النعیم مرتب ساخته و اذاریت ثم رایث و نفعاً و ملکاً کبیراً و برای فرزان کرام  
نعمت مقیم در بکریم و گردانی کردند عذاب الیم مقرر ساخته سلاسل و اعمالاً و سعیراً و از کمال رفاهت  
انبیاء و رسل فرستاده مبشّر و منذّر و تکمیل دین متین و تقیم نعمت عظیم فرموده بعبثه ظم  
البیین سید المرسلین محمد صلی الله علیه و سلم داعیاً الی الله باذن و سر جانیة اللهم صل و سلم بر  
علیه و علی جمیع الانبیاء و المرسلین و علی الملائکة المقربین و علی آله و اتباعه و اصحابه احاب الالین یوفون بالند  
و یحافون یوماً کان شره مستطیر بعد از حمد و صلوة فقیر حقیر محمد بن محمد عثمانی مجددی می نگارد که خوف و  
طمع از جناب الهی جالب جمیع خیرات و حاجز از جمیع مکاره و سیئات است و اطلاع بر احوال فیه است  
شمر این برکات لهذا این فقیر چند ورق درین باب بزبان فارسی بانتخاب و اقتباس بن بدو رساله

۱۱  
 ۱۲  
 ۱۳  
 ۱۴  
 ۱۵  
 ۱۶  
 ۱۷  
 ۱۸  
 ۱۹  
 ۲۰  
 ۲۱  
 ۲۲  
 ۲۳  
 ۲۴  
 ۲۵  
 ۲۶  
 ۲۷  
 ۲۸  
 ۲۹  
 ۳۰  
 ۳۱  
 ۳۲  
 ۳۳  
 ۳۴  
 ۳۵  
 ۳۶  
 ۳۷  
 ۳۸  
 ۳۹  
 ۴۰  
 ۴۱  
 ۴۲  
 ۴۳  
 ۴۴  
 ۴۵  
 ۴۶  
 ۴۷  
 ۴۸  
 ۴۹  
 ۵۰  
 ۵۱  
 ۵۲  
 ۵۳  
 ۵۴  
 ۵۵  
 ۵۶  
 ۵۷  
 ۵۸  
 ۵۹  
 ۶۰  
 ۶۱  
 ۶۲  
 ۶۳  
 ۶۴  
 ۶۵  
 ۶۶  
 ۶۷  
 ۶۸  
 ۶۹  
 ۷۰  
 ۷۱  
 ۷۲  
 ۷۳  
 ۷۴  
 ۷۵  
 ۷۶  
 ۷۷  
 ۷۸  
 ۷۹  
 ۸۰  
 ۸۱  
 ۸۲  
 ۸۳  
 ۸۴  
 ۸۵  
 ۸۶  
 ۸۷  
 ۸۸  
 ۸۹  
 ۹۰  
 ۹۱  
 ۹۲  
 ۹۳  
 ۹۴  
 ۹۵  
 ۹۶  
 ۹۷  
 ۹۸  
 ۹۹  
 ۱۰۰



عمون صنایع مسکونین مکان فضیل خلافت نورین

فوتن رساله و عجلاله زیبا مشتمل بر حالات مختصر روایات صحیح و زید الا اعتماد مسکونی



مصنفه حق آگاه چاه شاد عثمانی محمدی لطفه از رساله در اسافه نلا جلال الدین

در مطبعه خاکی فشتی نو کشور منقوبه انجمن احسان

Tazkirat al-ma'ad.





49 C 184

~~49 C 25~~

Indian Institute, Oxford.  
The Lucknow Sparks Library.  
Presented  
by  
Munshi Newul Kishore.



